

سوخت (۲۶). برنامه رادیوی مشهد هرروز از ساعت ۱۷ الی ۲۱:۳۰ بمدت سه ساعت انتشار می‌یافت (۲۷). قرار است بزودی فرستنده ۸۰۰ کیلوواتی مشهد نصب شود و مورد بهره‌برداری قرار گیرد (۲۸).

#### رادیوی شیراز :

رادیوی شیراز هم بوسیله فرستنده یک کیلوواتی که در سال ۱۳۳۷ نصب شده کار می‌کرد. این فرستنده روزی سه ساعت از ۱۷ الی ۲۰ برنامه داشت و در تاریخ ۳۷۷۲۲ افتتاح شده بود (۲۹). و از بامداد روزیکشنبه ۴۵۷۴ فرستنده مزبور به ده کیلوواتی تبدیل گردید و این کار تحت نظر مهندسین ژاپونی صورت گرفت و امیدوار بودند که صدای این فرستنده در کلیه شهرهای نزدیک شیراز و قراء آن شنیده شود (۳۰). در مرداد ۳۷ نیز یک دستگاه فرستنده یکصد کیلوواتی به اداره بی‌سیم بوشهر تحویل شد تا در آنجا نصب شود و صدای رادیوی ایران را تقویت کند تا به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس برسد (۳۱).

#### رادیوی رشت :

فرستنده این رادیو نیز یک صد کیلوواتی است و در تاریخ ۱۷ خرداد ۴۶ گشایش یافته. پیش از آن، این مرکز دارای یک دستگاه یک کیلوواتی بود که از سال ۱۳۳۷ شروع بکار کرده بود و روزی دو ساعت از ۱۸ الی ۲۰ برنامه داشت، اما دستگاه فرستنده اولیه آن که در ساعت ۱۰:۰۵ روز ۱۱/۳۵۷ افتتاح شد ۷۵ واتی بود و ۱۵۰ کیلومتر شعاع داشت (۳۲ و ۳۳).

۲۶- اطلاعات ۲۷، ۹۵۸۷، ۳۷۷۱۲۷.

۲۷- مجله رادیو ش ۱۷ ص ۳۶ و مجله رادیو ش ۲۷ ص ۳۶.

۲۸- کیهان ۸، ۸۰۶۴، ۴۹۳۱۸.

۲۹- اطلاعات ۲، ۹۷۲۰، ۳۷۷۲۲.

۳۰- اطلاعات ۱۲، ۱۲۰۹۸، ۴۵۷۱۳.

۳۱- اطلاعات ۳، ۹۶۸۳، ۳۷۵۲۰ و ۹۶۴۸، ۳۷۴۸.

۳۲- اطلاعات ۱۱، ۹۲۶۰، ۳۵۱۲۱۱ و ۱۲۲۹۷، ۱۷۳۳۱۷.

۳۳- ساختمان فرستنده یکصد کیلوواتی رادیوی گیلان در ۱۹ آبان ۴۴ شروع شد و دنباله پاورقی در صفحه بعد

#### رادیو کرمانشاه [باختران] :

اداره انتشارات و رادیوی کرمانشاه از سال ۱۳۳۷ تأسیس شده است و ساعات کار آن از ۱۷ الی ۲۰ و یک ساعت و نیم از آن به زبان کردی بود. این رادیو در مهرماه ۱۳۳۷ افتتاح شد.

#### رادیوی اهواز :

فرستنده این رادیو یک کیلوواتی بود و در سال ۱۳۳۷ نصب شد و هرروز چهار ساعت برنامه داشت که قسمتی از آن به زبان عربی بود. فرستنده یکصد کیلوواتی اهواز نیز از آذر ۴۰ تأسیس شد و از یکسال قبل شروع به ساختمان آن شده بود (۳۴).

#### رادیوی کردستان :

این فرستنده ابتدا برنامه خود را از یک دستگاه چهارصد واتی پخش می‌کرد و بعداً یک دستگاه یک کیلوواتی هم برای آن خریده شد (۳۵).

بقیه پاورقی از صفحه قبل

وسعت محل ساختمان ۸۰۰۰۰ متر مربع است که ۱۵۵۰ متر آن زیرناست، این ساختمان با هزینه ۲۰ میلیون ریال از محل اعتبارات سازمان برنامه آغاز شده است و قرار بوده است که ده ماهه تحویل شود و فرستنده جدید تا ۱۸ ماه دیگر شروع بکار کند. (اطلاعات ۱۱۸۲۹، ۱۹-۴۴۸۸).

۳۴- اطلاعات ۱، ۱۰۶۷۱، ۴۰۹۱۲.

علاوه بر مرکز فرستنده دارای چند خانه برای کارمندان، انبار و سایر لوازم است. تأسیسات برق آن نیز دارای دو موتور است هر یک بقدرت ۶۰۰ کیلووات.

۳۵- اطلاعات ۴، ۹۸۰۴، ۳۷۷۱۱.

برنامه آن هرروزه بمدت سه ساعت و چهل و پنج دقیقه در دو بخش پخش می‌شد از ۱۵ الی ۱۷ و از ۹:۱۰ تا ۲:۴۵ و پس از افتتاح فرستنده تازه (ساعت ده بامداد روز چهارشنبه دهم دیماه ۱۳۳۷) چهار ساعت بمدت آن اضافه شد (مجله رادیو ش ۲۹) در سال ۱۳۴۸ یک فرستنده ده کیلوواتی موج متوسط در سنج نصب و از آن بهره‌برداری شد.

## رادیوی رضائیه [ارومیه]:

این رادیو در سال ۱۳۳۷ بطور آزمایشی بایک فرستنده چهارصدواتی برنامه پخش می‌کرد و روز ۲۷ دیماه آن سال افتتاح و روزی دو ساعت برنامه برای آن معین شد (۳۶).

## رادیوی زاهدان:

در تاریخ ۲۸ مرداد ۳۵ فرستنده یک کیلوواتی رادیو زاهدان افتتاح شد (۳۷) و از ۱۷ اسفند ۴۰ نیز فرستنده یکصد کیلوواتی آن بکار افتاد (۳۸) این فرستنده نظیر فرستنده صد کیلوواتی اهواز است (۳۹).

## رادیوی کرمان:

این فرستنده روز یکشنبه ۴ آبان ۳۷ با یکدستگاه یک کیلوواتی افتتاح شد (۴۰) و فرستنده جدید آن در روز دوشنبه ۲۷ بهمن ۳۷ رسماً گشایش یافت (۴۱) و بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۴۹ نیز

۳۶- مجله رادیو ش ۲۹.

بعداً برای توسعه این استودیو یک فرستنده جدید ده کیلو واتی خریداری و نصب شد و عملیات نصب آن در بهمن ۴۷ به پایان رسید و پخش برنامه آزمایشی آن آغاز گشت (اطلاعات ۱۲۷۷۲، ۳۰۳۱۰۳۷ افتتاح فرستنده مذکور را اوایل ۱۳۴۷ نوشته است) با استفاده از فرستنده جدید صدای رادیو ارومیه تا اطراف شهرستان تبریز و حتی تهران هم بخوبی شنیده می‌شود. در حال حاضر این رادیو شبانه‌روزی ۱۵ ساعت برنامه دارد و جمعاً حدود هشت میلیون ریال هزینه توسعه آن شده است. برای تکمیل شبکه فرستنده رادیو ارومیه، ساختمان تازه‌ای مخصوص اداره رادیو در مشرق شهر در قطعه زمینی بمساحت ۲۷۰۰ متر احداث خواهد شد که علاوه بر قسمت‌های اداری استودیوهائی نیز در آن محل بوجود خواهد آمد.

(کیهان ۷۶۵۶، ۷۶۱۱۹۸۹).

۳۷- اطلاعات ۹۹۹۲، ۳۰۳۸۹۳۰.

۳۸- اطلاعات ۱۰۷۸۳، ۴۱۰۲۲۴.

۳۹- اطلاعات ۱۰۶۷۱، ۴۰۳۹۱۲.

۴۰- اطلاعات ۹۷۴۸، ۳۷۸۸۶.

۴۱- اطلاعات ۹۸۴۴، ۳۷۱۱۲۸ و مجله رادیو ش ۳۰.

## فرستنده ده کیلوواتی رادیو کرمان افتتاح شد ★.

## رادیو ساری:

در تاریخ ۱۷ تیرماه ۴۹ فرستنده موج متوسط رادیو ساری افتتاح شد و برای مازندران یک فرستنده یک کیلوواتی موج متوسط در نظر گرفته شد که قرار بود در آینده بجای آن فرستنده ده کیلوواتی نصب شود تا همراه فرستنده ده کیلوواتی جدید گران که در دست آزمایش نهائی بود و فرستنده ده کیلوواتی رشت که مشغول کار بود، شبکه رادیوئی ساحل دریای خزر را تشکیل دهد (۴۲).

در اسفند ۱۳۴۸ بهره‌برداری آزمایشی از دو دستگاه فرستنده دو هزار کیلوواتی قشلاق واقع در ۵۰ کیلومتری مشرق قزوین آغاز شد. ★★

★- با افتتاح این فرستنده سده ساعت و سی دقیقه بمدت برنامه‌های رادیو کرمان افزوده گشت. این برنامه‌ها روزانه در سه بخش و جمعاً بمدت ۱۳۵ ساعت روی موج متوسط ردیف ۲۵۷ متر برابر با ۱۰۹۰ کیلومیکل در ثانیه پخش می‌شود (کیهان ۸۰۴۳، ۴۹۲۲۴). محل ساختمان اداره اطلاعات و استودیوهای رادیو کرمان در زمینی بمساحت بیش از هفت هزار متر مربع قرار دارد که شامل ساختمان دوطبقه اداری، ۴ واحد استودیو و خانه سازمانی می‌باشد که استخوان‌بندی‌ها بتون‌آرمه و مجهز به سیستم تهویه مطبوع و شوفاژ می‌باشد و مساحت زیربنای ساختمان در حدود ۲۰۰۰ متر مربع است (کیهان ۸۳۱۶، ۵۰۳۱۱۲۱).

۴۲- کیهان ۸۰۹۱، ۴۹۴۱۸۱۸ فرستنده ده کیلوواتی رادیو گران روز ۱۶ شهریور ۱۳۴۹ افتتاح شد.

★★ وسعت محوطه‌ای که تأسیسات در آن بوجود آمده در حدود ۵۰ هکتار است. نصب دو دستگاه مزبور در سال ۱۳۴۷ با نظارت اداره فنی وزارت اطلاعات بوسیله کارشناسان سوییسی آغاز شد. با بکار افتادن این دستگاهها صدای رادیوی ایران تا شعاع ۴۰۰۰ کیلومتر می‌رسد. برق مصرفی این دستگاه از سد سفیدرود تأمین می‌شود و طرح مربوط به این دو فرستنده سیصد میلیون ریال هزینه برداشته است (کیهان ۷۹۸۶، ۴۸۱۲۱۲).

دنباله پاورقی در صفحه بعد

### رادیوی بندرعباس :

ساختمان این فرستنده بعد از ظهر روز ۲۰ بهمن ۱۳۴۷ آغاز و در ظرف شش هفته برای کار آماده شد.\*

### تأسیسات دیگر رادیو :

در تیرماه ۴۵ اعلام شد که... از شبکه جدید، سه فرستنده صد کیلوواتی موج متوسط خریداری شده که قرار است در تبریز، رشت و تهران نصب گردد. از هشت فرستنده ده کیلوواتی موج متوسط نیز شش فرستنده در مرکز استانهای یعنی مشهد، شیراز، کرمانشاه [باختران]، اصفهان، رضائیه [ارومیه]، و زاهدان بکار خواهد افتاد و دوتای دیگر بعنوان رزرو در تهران و تبریز نصب خواهد شد... برای تمام این واحدها، موتور برق خریداری می شود که بکار انداختن آنها مواجه با اشکالی نگردد. علاوه بر این فرستنده های موج متوسط، یک فرستنده نوع اف.ام. ده کیلوواتی نیز در تهران نصب می شود که بر فرستنده های معمولی دو مزیت دارد.

بقیه پاورقی از صفحه قبل

★ سطح زیربنای فرستنده مزبور که شامل اطاق فرمان، استودیو، بایگانی، نوار، اطاق فرستنده، دفاتر اداری و سرویس های لازم است بالغ بر چهارصد متر مربع می باشد که در زمینی بوسعت ۳۲۰۰۰ متر مربع واقع گردیده است. هزینه ساختمان و قسمتی از محوطه سازی آن نزدیک دو میلیون ریال برآورد شده و در نظر است یک فرستنده ۱۲۵ کیلوواتی نیز در بندرعباس دائر شود (کیهان ۷۷۰۳، ۱۰/۱۱/۴۸) بعد از ظهر دوشنبه ۲۵/۳/۴۹ نیز فرستنده جدید ده کیلوواتی موج متوسط بندرعباس افتتاح شد (کیهان ۸۰۷۱، ۲۶/۳/۴۹).

هم اکنون در زاهدان، کرمانشاه [باختران]، رشت، اهواز، تبریز فرستنده های صد کیلوواتی موج متوسط دائر است و در برخی دیگر از نقاط فرستنده های محلی با قدرتهای گوناگون. در تهران سه برنامه رادیویی وجود دارد:

۱- صدای ایران یا برنامه عمومی مملکت.

۲- برنامه رادیو تهران که مطالب علمی و فرهنگی پخش می کند.

۳- برنامه اف.ام. که برنامه های موسیقی ایرانی و خارجی را به سبک استریوفونیک انتشار می دهد... در سال ۱۳۴۸ نصب فرستنده دوهزار کیلوواتی موج متوسط نیز ادامه داشت...

دنباله پاورقی در صفحه بعد

یکی اینکه امواج را با باند استریوفونیک و بدون پارازیت پخش می کند. دیگر آنکه با نصب آن در استودیو احتیاجی به کشیدن کابل، میان استودیو و مرکز فرستنده نخواهد بود... دو فرستنده هزار کیلوواتی موج متوسط و یک فرستنده موج کوتاه ۲۵۰ کیلوواتی هم خریداری شده است که اولی در دشت قزوین نصب می شود... روی هم رفته برای خرید و نصب فرستنده های جدید و مواد آنها در برنامه سوم مبلغ ۳۵۵ میلیون اعتبار پیش بینی شده است... تمام ایستگاههای فرستنده جدید که بمنظور پخش صدای رادیو ایران در خلال برنامه دوم و سوم خریداری شده در کمال آباد، بین قزوین و کرچ، در حدود ۵۰ کیلومتری تهران نصب گردیده است (۴۳).

### اثرات تأسیس رادیو :

رادیو، قطع نظر از اینکه از وسایل مهم پخش خبر است، در امر آموزش و پرورش و تربیت ملی نیز اثرات بسیار دارد و هرچه اعتماد شنوندگان به آن دستگاه بیشتر باشد اثر آن هم بیشتر است. از اینرو اداره کردن یک ایستگاه رادیو کاری است دقیق و محتاج به افراد دانشمند و متخصص و شایسته و مقبول القول. برای تهیه مطالب نه تنها شرکت و همکاری و استفاده از دانشمندان لازم است بلکه یک کتابخانه جامعی نیز باید در اختیار اداره رادیو باشد تا رفع احتیاجات علمی تهیه کنندگان مطالب بشود. از این گذشته جنبه تبلیغاتی اثر آن در آماده ساختن ذهن و برانگیختن احساسات مردم و تحریک غرور ملی بحدی است که شاید از هر وسیله دیگری مؤثرتر باشد، زیرا استفاده از روزنامه و کتاب محتاج به سواد خواندن و نوشتن است و وعظ و خطابه نیز از محدوده کوچکی

دنباله پاورقی در صفحه بعد

از دو سال اخیر به اینطرف بتدریج اداره و سرپرستی فرستنده های استانها از وزارت پست و تلگراف و تلفن به وزارت اطلاعات انتقال یافت... و در نظر است که برای تقویت برنامه های خارج از کشور یا فرستنده دیگر موج کوتاه بقدرت ۳۵۰ کیلو وات بکار انداخته شود. (کیهان ۸۰۲۷، ۲۵/۳/۴۹).

۴۳- اطلاعات ۱۲۰۱۸، ۱۳/۴/۴۵.

تجاوز نمی‌کند، در صورتیکه رادیو کشوری را به‌آسانی فرامی‌گیرد و هر کس که قدرت شنیدن داشته باشد می‌تواند از آن استفاده نماید و از این خاصیت برای بالابردن سطح اطلاعات عمومی، از راه پخش مقالات و ترتیب مسابقات و نظایر این امور می‌توان حداکثر استفاده را نمود و مردم را بدون اینکه خود متوجه باشند و برنج آموختن دچار شوند به مقدمات و مسائل متناسب علمی آگاه ساخت. از همه مهمتر آنکه رادیو، در ردیف پاسداران زبان و فرهنگ ملی است و باید در حفظ و تقویت آن از راه‌های مختلف بکوشد و خوشبختانه ادبیات فارسی اعم از نظم و نثر گنجینه بسیار پر و سرشاری است. از انواع مطالب ادبی و حکمت علمی که اگر بدرستی از آن استفاده شود رونق بسیار به انتشارات رادیو خواهد داد. فرهنگ ملی ما نیز از آداب و رسوم و افسانه‌ها و سرودها و امثال اینها منابع معتبری برای تهیه مطالب رادیویی است، منتهی ذوق و سلیقه و همکاری علمی و ادبی می‌خواهد که از آن بهره‌کافی گرفته شود و متأسفانه در این هر دو کار قصور بسیار کرده است. اثر دیگر رادیو رواج موسیقی است و بردن آن در میان عامه مردم. هر کس که رادیویی دارد و گاه و بیگاه آن را باز می‌کند خواه و ناخواه نغمه‌ای مطلوب یا نامطلوب بگوش او می‌رسد و بر اعصاب او اثر می‌گذارد و ای بسا که او را خشمگین می‌سازد چه یا اصلاً حرام می‌داند و یا صدرا نمی‌پسندد و ناچار پیچ رادیو یا گوش خود را می‌بندد و معالاف موسیقی رادیو غالباً بستنی است. بهر حال، به تناسب این شیوع موسیقی، هر چند کریه و گوش‌آزار، موسیقی‌دان نیز ارج و مقامی یافت و دیگر آن را با اصطلاح زنده «مطرب» یاد نمی‌کنند و اگر از آن، همان معنی مصطلح از زبانهای اروپائی را اراده نکنند، لااقل آن را هم ردیف «قوال» در اصطلاح اهل عرفان و تصوف می‌دانند. اما این اعتبار وقتی برقرار است که با حفظ و ترویج موسیقی ملی همراه باشد و گرنه پخش مکرر و زیاده از اندازه موسیقی غربی که بی‌شک در میان اکثریت مردم ایران نفرت‌انگیز یا لااقل خسته‌کننده است جز کم‌مایگی و ضعف نفس چیزی را نمی‌رساند و از این زشت‌تر و بدتر خواندن قطعات فارسی است

به اصول موسیقی غربی و این کار همان قدر زنده و مسخره است که یک فارسی‌زبان بومی ایران، زبان مادری را به سبک خارجیان حرف بزند و از آن دو زشت‌تر آنکه کسانی را که شایستگی ندارند در کار موسیقی بگمارند و میکروفون رادیو را در اختیار آنها بگذارند مگر آنکه بخواهند از اینراه از هنر یا هنرهای دیگر آنان استفاده کنند یا اینکه بخواهند همگان اعجاز آیه مبارکه ان انکرا لاصوات را دریابند و به درد دل سعدی و همدردان او برسند و شاعر خوش ذوق بذله‌گوی شیراز را به دعای نیک یاد کنند و از همه بدتر آنکه، چون خوش‌آوازی در میانه پیدا شود برای خاطر بدصدایان و ناخوش‌آوازان او را کمتر بازی بگیرند و در گمنامی نگهدارند. در پایان بحث ناگفته نباید گذارد که هنر موسیقی هم هر چه بیشتر مروج اخلاق نیک و عفت، و باوقار و متانت همراه باشد ارزش بیشتری خواهد داشت. اشعار رکبک و عامیانه و بی‌معنی موضوعات مبتذل و سبک و احياناً کم‌مایه از نظر اخلاق و عفت زینده دستگاه رادیوی هیچ کشوری نیست و با توجه به مفهوم عفت در مشرق زمین - هر چند که باز در موارد مختلف فرق می‌کند، نمی‌توان انتظار داشت که خوانندگانی که از این لحاظ معروفیت ندارند و احياناً از راهی جز این راه رفته‌اند، موجب خوش‌نامی شوند و یا نامی نیک ببار آورند. گذشته از موسیقی، گویندگان رادیو هم باید فطرتاً دارای صدای مطبوع باشند تا در شنوندگان تولید انزجار نکنند، چه با حرکات تصنعی و آدا و اصول و زبان ناز گرفتن و امثال اینها هیچکس مقبول نمی‌گردد. و باز این گویندگان باید یا واقعاً باسواد باشند و یا اینکه قبلاً مطالبی را که باید بخوانند روان کنند که در موقع پخش کردن برنامه، غلط نخوانند و شرمندگی ببار نیاورند. چه رادیو بمنزله زبان کشور است و میزان علم و عقل آدمی را از گفته‌هایش می‌سنجند.

علاوه بر خدماتی که ذکر شد امروزه وزارت اطلاعات که رادیو جزئی از آنست وظایف ذیل را نیز انجام میدهد: تهیه عکس و خبر و ارسال آنها بطور مرتب برای سفارتخانه‌های ایران - راهنمایی تمام روزنامه نگاران و مهمانان و سیاحان خارجی که بطور رسمی به ایران می‌آیند - تهیه و تنظیم برنامه بازدید نمایندگان جرائد و سایر بازدیدکنندگان دسته‌جمعی از کارهای انجام شده وزارتخانه‌ها و دستگاههای دولتی (۴۴).

## بخش چهارم

نخستین گامها در صنعتی ساختن کشور

### فصل اول - پارچه بافی

عباس میرزا نایب‌السلطنه که سپاه و کشور خود را در مقابل متجاوزین اروپائی ناتوان دید، دانست که جز با گرفتن اصول تمدن غرب راهی برای ادامه حیات ایران نیست و چون بیش از هر چیز درماندگی او در کارهای نظامی بود، به اقتباس اصول نظام جدید - چنانکه گفته شد - رغبت بسیار از خود نشان داد ولی متأسفانه عوامل موفقیت برای او آماده نبود. از کارهایی که عباس میرزا در زمینه ترویج تمدن جدید و رفع احتیاجات نظامی خود در ایران کرد یکی تأسیس کارگاه ماهوت بافی بود در خوی. در آغاز ایرانیان نمی‌توانستند محصول خود را بخوبی ماهوت فرنگی از کار در آورند اما وقتی بدستور نایب‌السلطنه وسایل و افزار آن را از روسیه وارد کردند محصول این کارخانه بهتر شد و چون نایب‌السلطنه به آن علاقه‌مند بود «... پوشش و لباس اکثر اهل ایران و لباس اعیان و اشراف و سربازان... بیشتر از آن قماش... شد، چه اصولاً برنامه کار عباس میرزا آن بود که «... هرچه اهل ایران را ضرور است در این دیار بعمل آورند و به‌منافع دیگر دیار ضرورت نیفتد...» (۱)

دومین اقدام دولت ایران در زمینه پارچه‌بافی جدید در سال

۱- تاریخ نو (ص ۱۸۸) و مآثر سلطانیه.

۱۲۷۵ صورت گرفت. در آن سال میرزا محمودخان ناصرالملک در شهر مسکو کارخانه‌ای به مبلغ نود و پنجهزار تومان خریداری کرد و به ایران فرستاد. این کارخانه گویا از اصل معیوب بود زیرا پس از اندک مدتی از کار افتاد. ساختمان آن هم بعدها مخزن تدارکات حریبه شد و پس از آوردن دستگاه جدید ضرب سکه، ضرابخانه دولتی را در آنجا دایر کردند که فعلاً هم در همان جاست. اسباب بخار و لوازم دیگر آن راهم بالاخره میرزا علی نقی حکیم‌الملک بمبلغ ده هزار تومان فروخت (۲). مرحوم حاج مخبرالسلطنه در این باره می‌نویسد «... در باطن سه نفر را می‌شود اصولاً در کار ایران مسئول قرارداد: میرزا آقاخان را در قتل میرزا-تقی‌خان امیرکبیر. محمودخان ناصرالملک را در خرید کارخانه چلواربافی مدرس از پیرزنی روسی که کار نکرد و ناصرالدین‌شاه را از شوق تأسیس کارخانه انداخت...» (۳) و یا بعبارت بهتر در سرعت تأثیر بلهوسی شاه خیلی مؤثر واقع شد و گرنه بعد از امیرکبیر نه کسی دنبال این قبیل کارها بود که واقعاً صددرصد بنفع مملکت و ملت باشد و نه شاه پول کافی برای این کارها داشت. چون کار بافندگی جدید بجائی نرسید، فکر تأسیس کارخانه نخ‌ریسی که مقدمه صنعت پارچه‌بافی است پیدا شد. پیدا شد.

در ۱۳۱۲ هجری قمری مرتضی قلی‌خان صنایع‌الدوله به مشارکت حاجی محمدتقی شاهرودی و بمنظور تأسیس کارخانه ریسمان‌ریسی و چلواربافی، سفارش کارخانه‌ای که تقریباً دارای ۲۳۰۰۰ دوك تمام تاب بود داد. در روز ۱۳ نوروز آن سال ناصرالدین‌شاه کارخانه را که مشغول سوار-کردن بودند تماشا کرد و از صنایع‌الدوله ته‌جید نمود و چون به او گزارش دادند که یکی از صندوقهای ملزومات کارخانه را جزو اموال دیگر در حدود [باختران] دزد زده است از باب اظهار علاقه بحاکم کرمانشاه

۲- گنج شایگان ص ۹۳ خاطرات اعتمادالسلطنه ص ۲۲.

۳- خاطرات و خطرات ج ۱ ص ۷۵.

تلگراف کرد که صندوق کارخانه را از تو می‌خواهم و او نیز پیدا کرد فرستاد (۴). اما این کارخانه هم چندان دوامی نکرد. زیرا نتوانست با جنس خارجی رقابت کند و بقول حاجی مخبرالسلطنه... چون برنج هند وضع گمرک امکان نداشت... (۵) مرحوم هدایت بعدها در زمان ریاست وزرائی خود بتصویب مجلس بیست هزار تومان از دولت قرض کرد و کارخانه را راه انداخت. بعد از این کارخانه، کارخانه شاهی (۶) سفارش داده شد. حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری [هم] دوازده دستگاه ماشین‌آلات بافندگی از آلمان خریداری کرد و در تهران بکار انداخت. این ماشین‌ها مدت کمی کار می‌کرد اما بعلت فرسودگی چندان دوام ندهود (۷). در اوایل سال ۱۳۱۶ هجری قمری به دستگیری حاج محمدحسین-کازرونی معروف به حاج کاکا حسین دو شرکت تجاری در اصفهان تأسیس شد که یکی شرکت مسعودیه نام گرفت و دیگر شرکت اسلامییه.

مقصود از شرکت اخیر که در تاریخ پنجشنبه ۲۶ شوال ۱۳۱۶ شروع بکار کرد رواج پارچه‌های وطنی بود و برای رسیدن به مقصود

۴- خاطرات و خطرات ج ۱ ص ۱۰۱-۱۰۳.

۵- همان کتاب ج ۱ ص ۹۰.

۶- ایضاً همان کتاب ج ۱ ص ۴۸۷.

۷- ماهنامه سازمان برنامه ش ۲ ص ۴۰، در ص ۳۹ ش ۲ ص ۱ مجله سازمان برنامه عدّه دوكهای کارخانه را ۲۴۰۰ نوشته‌اند و اینکه کارخانه را از «بنیگر» سویس وارد کرده بودند و سوخت آن کک بود و متخصص آن «حسین دیار» که بعداً در کارخانه نساجی شاهی مشغول کار شد (همان مجله ص ۸۹) و در مجله اطاق تجارت ش ۱۷ ص ۳۷ می‌نویسد که کارخانه در اسفند ۱۳۰۹ دارای ۱۵۰۰ دوك نخ‌ریسی بوده و در سال ۲۰۰ خروار مصرف پنبه داشته است. ساعت ۵ بعد از ظهر ۱۸ مهر ۱۳۰۶ کارخانه صنایع‌الدوله افتتاح شد (اطلاعات ۲۹۳۱، ۱۳۰۷، ۱۳۰۶) میزان وام هم بنا به خبر مندرج در اطلاعات ۱۲۱۶۷، ۱۵، ۱۰، ۵ (ستون ۴۰ سال قبل) دویست هزار تومان بوده است که در ظرف پنج سال بانضمام منافع خالصه به اقساط متساویه از قرار قسطی ۵۰۰۰۰ قران مسترد دارند. در قانون نیز ذکر شده بود که مقداری از کارخانه وثیقه گرفته خواهد شد و هر موقع که یکی از اقساط مسترد شود بهمان نسبت از وثیقه آزاد خواهد گردید. این اولین وام دولت به کارخانه‌های ریسندهای و بافندگی بود.

شرکت دستگاههای پارچه‌بافی متعددی برپا نمود. سرمایه شرکت صد و پنجاه هزار تومان و مرکب از پانزده هزار سهم ده تومانی بود. علاوه بر حاج محمد حسین کازرونی که رئیس شرکت بود چهار نفر تاجر دیگر اصفهانی هم از وکلای شرکت بودند و آنها عبارت بودند از: حاجی میرزا- محمد مشکی، حاج محمد جعفر. حاج میرزا اسدالله مشهور به نقشینه و حاجی محمد کاظم منتقالی و اداره شرکت با حاج میرزا علی نقشینه بود. بنا به هدف شرکت، داد و ستد منسوجات اصفهان و داخله ایران و تهیه مقدمات تأسیس کارخانه ریسمان ریزی کار اساسی شرکت بود. تاریخ نظامنامه شرکت ذی‌القعدة ۱۳۱۶ بوده است (۸).

در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی = ۱۳۲۸ ه. ق حاج رحیم قزوینی پسر حاجی فتحعلی یک کارخانه ریسمان‌ریسی در تبریز تأسیس نمود (۹). این کارخانه دارای ۱۸۰۰۰ دول نخ ریزی بود و مصرف پنبه سالیانه آن در سال ۴۵۰ خروار بود (۱۰). این کارخانه را از آلمان خرید و سرمایه‌ای که برای آن تخصیص داده بود ۲۴۶۶۷۹۹ بود. محصول سالیانه آن ۱۶۳۰۰۰ کیلو انواع ریسمان از شماره ۸ تا ۲۴ بود و تعداد دوکهای مشغول کار ویدکی آن به ۵۰۰۰۰ می‌رسید و قوه موتور آن ۵۶ اسب بود و با زغال سنگ کار می‌کرد و شماره کارگران آن ۱۵۰ نفر و مزد آنها روزانه ۱۰ تا ۲۰ ریال بود (۱۱).

حاج رحیم یک کارخانه پشم‌ریسی هم داشت که دارای دوهزار دوک پشم‌ریسی و محصول آن برای مصرف قالی بود و در سال قریب به ۶۰۰ خروار پشم مصرف می‌نمود (۱۲) و شرح آن خواهد آمد.

در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی حاجی محمد حسین کازرونی کارخانه

وطن را خود تأسیس کرد و از سال ۱۳۰۴ بهره‌برداری از آن را آغاز نمود. این کارخانه نخستین کارخانه ریسندگی و بافندگی توأم مدرن بود که ابتدا به «کارخانه هفت دست» معروف شد. زیرا در محل یکی از ساختمانهای صفوی بنام «هفت دستگاه» یا هفت دست عباسی (۱۳) ساخته شده بود. این کارخانه را عطاءالملک دهش وارد کرده بود و چون برای بکار انداختن آن سرمایه کافی نداشت با حاج محمد حسین کازرونی شریک شد. بعداً اختلافاتی بین آن دو ایجاد شد و منتهی به محاکمه در محکمه تجارت گردید (۱۴). و در نتیجه در یک جلسه مشاوره که در منزل شخصی سردار سپه با حضور دهش و کازرونی و مدرس و آیرم و حاج معین بوشهری و حاج حسین آقا امین‌الضرب و اسلامیه تشکیل شد عطاءالملک سهم خود را به حاج محمد حسین کازرونی فروخت... و سردار سپه از باب کمک سفارشی به مبلغ سیصد هزار تومان برای احتیاجات قشون به کارخانه داد تا کارخانه قبل از پیدا کردن بازار بتواند احتیاجات مالی خود را تأمین نماید (۱۵).

تولید روزانه کارخانه در ابتدای تأسیس پانصد متر پارچه یک لا و دولاعرض پشمی بود که از دوازده ماشین بافندگی بدست می‌آمد (۱۶) و البته بتدریج که ماشین‌ها فرسوده و کهنه می‌شد ماشینهای نو جای آنها را می‌گرفت، کلیه ادوات و دستگاههای این کارخانه را از آلمان وارد کرده بودند و تمام قسمت‌های آن به یک نفر یعنی حاج محمد حسین کازرونی

۱۳- اطلاعات شماره ده هزار ص ۳۶، جای دیگر ذکر شده که کارخانه کازرونی در سال اول تأسیس با یکصد اسب قوه بکار افتاد... و فقط ۷۰۰۰۰ متر پارچه محصول آن بود... و میزان مصرف پشم آن ۱۸۰ تن... و دارای ۱۲ دستگاه بافندگی بود. اطلاعات ۳۱۲۵، ۱۶۲۱۶ و در آن سال فقط ۱۰۰ نفر کارگر بطور روزانه در این کارخانه مشغول کار بودند اطلاعات ۱۲۰۵۹، ۴۵۵۳۰، هر روز ۲۵۰ متر پارچه دولاعرض محصول آن بود. هزینه خرید مواد و اجرت کارگر این کارخانه در سال ۱۳۰۴ بیش از ۲۰۰۰۰۰ تومان نبود.

۱۴- تاریخ اصفهان و ری و همه جهان ص ۳۶۵.

۱۵- ماهنامه سازمان برنامه ش ۲ ص ۴۰.

۱۶- اطلاعات ۲۳۶۲، ۱۰۳۹۱۰.

۸- گنج شایگان ص ۹۸.

۹- گنج شایگان ص ۹۵.

۱۰- مجله اطاق تجارت ص ۱۱ ص ۳۷.

۱۱- مینودر ص ۷۰۰-۷۰۴.

۱۲- مجله اطاق تجارت ش ۱۷ ص ۲۰.



تعلق داشت. این کارخانه بتدریج توسعه داده شد بطوریکه در آخر سال ۱۳۰۹ قسمت ریسندهی کارخانه عبارت بود از ۱۵۰۰ دوک پشم‌ریسی که نخ نمره ۴ و ۷ برای مصرف قالبی بافی تهیه می‌نمود و ریسمانهای دیگر تا نمره ۲۰ برای پارچه بافی، قسمت نساجی آن نیز عبارت بود از ۲۶ دستگاه نساجی موتوری و ۲۰۰ دستگاه نساجی دستی که روی هم رفته ۱۵۰۰ متر پارچه بعرض ۱۴۰ سانتیمتر تهیه می‌نمود. کلیه پارچه‌های این کارخانه پشمی بود که رنگرزی آن هم با اصول جدید صورت می‌گرفت. موتور کارخانه در آن موقع ۲۴ اسب قوه داشت و مصرف پشم آن روزانه سه‌خروار بود و علاوه بر پارچه، پتوهای پشمی و ماهوت کلفت پالتوئی نیز تهیه می‌نمود. برای تهیه پارچه‌های ظریف، نخ پشم‌ساخت خارجه را مصرف می‌کرد (۱۷). در سال ۱۳۱۲ دویست و بیست هزار تومان... ماشین‌آلات سیستم جدید برای تکمیل کارخانه وارد کردند و بازهم تقاضای یکصد و پنجاه هزار تومان جواز جدید داشتند. در آن سال به ماشین‌های نساجی کارخانه شش دستگاه اضافه شد و سال بعد هفده دستگاه. در خرداد ۱۳۱۸ کارخانه دارای ۱۲۰ دستگاه ماشین بافندگی عریض بود و با ۱۳۰۰ نفر کارگر در سال یک میلیون متر پارچه و پتوهای پشمی و کرکی دولا عرض محصول داشت و بازهم توسعه بیشتری در کارخانه داده شد (۱۸). بطوریکه در سال ۱۳۱۹ سرمایه آن بالغ بر نوزده میلیون ریال بود (۱۹). علاوه بر این کارخانه، سرمایه کارخانه پارچه بافی کازرونی یک کارخانه ریسمان بافی دیگر نیز با ۴۲۰۰ دوک از انگلستان خریداری و نصب شد (۲۰) (۱۳۱۳) ولی فعلاً این مجموعه که در آغاز بنام کارخانه کازرونی و زمانی کارخانه وطن و کارخانه میهن نامیده می‌شد و دارای قسمت‌های حلاجی، ریسندهی، بافندگی پارچه و پتو، رنگرزی و تکمیل برق بود ورشکسته شده و در

۱۷- مجله اطاق تجارت ش ۱۷ ص ۳۷.

۱۸- مجله اطاق بازرگانی ش ۲۰۴ و ۲۰۵ ص ۲۹ به بعد خرداد ۱۳۱۸.

۱۹- همان مجله ش ۲۲۷ ص ۵.

۲۰- مجله اطاق تجارت ش ۱۰۲ ص ۹ دی ۱۳۱۳.

موقع ورشکستگی، یا قریب به وقوع آن، این کارخانه که در بدو تأسیس با ۱۲ دستگاه بافندگی و ۱۵۰ نفر کارگر کار خود را آغاز کرده بود، ۱۸۰ دستگاه بافندگی و ۲۲۰۰ کارگر داشت و همچنین دستگاه مفصل ریسندهی با ۱۲۰۰۰ دوک، و روزانه در حدود ۱۰۰۰۰ بوقچه ریسمان و ۶۰ تا ۷۰ هزار متر پارچه‌های مختلف و هزار تخته پتو تولید می‌نمود (۲۱). آغاز ورشکستگی این کارخانه آن بود که در ۲۸ آذر ۴۸ کارخانه بعلت نداشتن مواد اولیه تعطیل شد و ۱۵ روز تعطیل بود و چون شروع بکار کرد به هیئت حمایت از صنایع تحویل شد و گویا مضیقه مالی نیز در این امر مؤثر بوده است (۲۲)، از سال گذشته کارخانه وطن اصفهان با سرمایه‌گذاری سازمان برنامه و بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران اداره می‌شود و گفته‌اند که مشغول نوسازی می‌باشد (۲۳). کارخانه سابق کازرونی بین راه اصفهان و نجف‌آباد در محلی بنام گلشهر قرار داشت (۲۴) و شاید هم کارخانه جدید هم در آنجا باشد.

اولین اقدام دولت برای ترویج صنعت جدید بوسیله قانون مصوب ۷ دلو (بهمن) ۱۳۰۳ بعمل آمد. بر طبق این قانون ورود ماشین‌های صنعتی و فلاحتی تا ده سال از پرداخت حقوق گمرکی معاف شد. ماده ۱۴ متمم قانون بودجه ۱۳۱۴ مدت این اعتبار را تمدید کرد. علاوه بر این، چند قانون دیگر بمنظور تأسیس یا توسعه کارخانجات وضع گردید، منجمله بند «ه» ماده ۴ متمم قانون ۶ اسفند مربوط به انحصار تجارت خارجی و ماده ۴ تصویب‌نامه شماره ۴۸۰۸، ۲۰۶۲۰ ر ۱۳۱۰ هیئت وزراء مربوط به نظامنامه ارزشهای خارجی و قانون ۱۱ مهر ۱۳۱۰ در موضوع اعطاء پروانه ورود کالا جهت سرمایه‌های ایرانی در خارجه... از آن گذشته

۲۱- اطلاعات ۱۳۳۲۷، ۴۶۶۳۰.

۲۲- اطلاعات ۱۳۴۶۵، ۴۶۹۹۲۸.

۲۳- کیهان ۸۲۲۶۱، ۴۶۹۹۲۸.

۲۴- اطلاعات ۱۰۷۸۱، ۴۱۲۲۲.



میزان مالیاتی که در آن زمان برای صنایع وضع شده بود نسبت به کشورهای خارجی خیلی کمتر بود (۲۵) و معهدنا تا سال ۱۳۱۲ فقط سه کارخانه نساجی و نخریسی در کشور وجود داشت (۲۶) که از آن جمله بود کارخانه پشم‌ریسی حاج رحیم‌آقا قزوینی در قزوین. براساس گزارش حاج‌محمد جعفر خامنه‌ای و اکبرآقا قزوینی، هزار بوقچه ریسمان مصرف جوراب و ژاکت کارخانه‌ها بود، و چون تکافوی احتیاجات کشور را نمی‌کرد، و بازرگانان هنوز حاضر نبودند که کارخانه دیگری تأسیس کنند، امر به تأسیس کارخانه نخریسی شاهی [قائم شهر] گردید که بعداً قسمت پارچه‌بافی نیز به آن اضافه شد.

این کارخانه حاج رحیم‌آقا قزوینی هم دارای ۲۰۰۰ دوک پشم‌ریسی بود که نخ نمره ۴ تا ۶ برای مصرف قالی تهیه می‌نمود و در سال ۶۰۰ خروار پشم مصرف داشت (۲۷). این کارخانه در شمال قزوین و در زمینی بمساحت ۷۰۰۰۰ متر مربع واقع شده بود که ۹۰۰۰ متر مربع آن زیربنای کارخانه بود. ماشین‌های کارخانه آلمانی بود و قسمتی از آن نخ پشمی در انواع و با شماره‌های گوناگون تهیه می‌کرد که محصول سالیانه آن با ۵۲۰ نفر کارگر شبانه‌روزی ۲۰۰۰۰ کیلو بود. بخش دیگر از ماشین‌ها دستگاه‌های پارچه‌بافی دستی بود. برای تهیه پارچه‌های پشمی در این قسمت نیز ۳۵۰ نفر کارگر با کار شبانه‌روزی سالیانه ۳۰۰۰۰ متر پارچه پشمی و کرکی می‌بافتند... این کارخانه دارای ماشین‌های تراش و آهنگری و نجاری هم بود و قوه محرکه آن موتوری با نیروی ۲۵۰ اسب که مصرف آن زغال سنگ و نفت بود و نه تنها از عهده انجام تعمیرات لازمه کارخانه برمی‌آمد بلکه مرمت لوازم هر گونه اتومبیل و حتی تراکتورهای زراعتی را نیز بخوبی می‌توانست انجام دهد. سرمایه کارخانه

۲۵- مجله بانك ملی ش ۱۷ آبان ۱۳۱۶ ص ۳ و ۴.

۲۶- همان مدرک.

۲۷- مجله اطاق تجارت ش ۱۷ ص ۳۷.

۸۵۰۰۰ ریال بود و در ۱۳۰۶ تأسیس شد و بکار افتاد و در ۱۳۲۴ تعطیل شد (۲۸). در جریان کار نیز این کارخانه دچار تعطیل می‌شد، چنانکه در سال ۱۳۱۷ از مرداد قسمتی از آن بکار افتاد و امیدوار بودند که در آتیۀ نزدیکی تمام آن بکار افتد (۲۹).

بعداً در سال ۱۳۱۵ وی کارخانه دیگری با سرمایه شش میلیون ریال در قزوین تأسیس کرد که پارچه‌بافی و پشم‌ریسی بود و با دو موتور دیزل که هر کدام ۱۲۰ اسب قوه داشت کار می‌کرد و در حدود چهارصد نفر کارگر زن و مرد در آن کار می‌کردند که متناسب شغل خود روزانه از يك تا شش ریال حقوق دریافت می‌نمودند. در این کارخانه ابتدا پشم شسته و بعداً با دستگاه‌های مخصوص خشک می‌شد و پس از حلاجی تحویل دستگاه‌های ریسندگی می‌شد. پشم‌های رشته شده از نمره ۹ تا ۱۲ برای مصرف قالی‌بافی فروخته می‌شد و نمرات بالاتر آن را در خود کارخانه با دستگاه‌های پارچه‌بافی دستی فاستونی و پتو تهیه می‌نمودند که مصرف داخلی داشت (۳۰)، بعداً کارخانه توسعه یافت روزانه از ۴۵۰ تا ۱۸۰۰ کیلو بتفاوت جنس تهیه می‌کرد و محصول سالیانه‌اش در حدود دویست و هفتاد هزار متر پارچه بود و بعلاوه پارچه‌های پشمی و پتو، نخ‌پشم تا نمره ۲۴ نیز تهیه می‌نمود.

در این موقع کارخانه با ۴۰۰ اسب قوه کار می‌کرد و قسمت تعمیرات و برق و رنگرزی هم داشت و رنگهای ثابت بکار می‌برد. عده کارکنان کارخانه بتفاوت ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر در روز بود و فقط يك نفر مکانیک آلمانی داشت (۳۱). حاج رحیم‌آقا قزوینی يك کارخانه ریسمان‌ریسی هم در تبریز داشت که دارای ۱۸۰۰ دوک نخریسی بود و نخ نمره ۶-۸-۱۰

۲۸- مینودر (ص ۷۰۰-۷۰۴).

۲۹- مجله بانك ملی ش ۲۶ ص ۳۴۴.

۳۰- اطلاعات، ۲۸۳۲، ۱۲، ۱۵۴۱۲.

۳۱- مجله اطاق تجارت ش ۶ ص ۴۳ و ش ۱۳۴ ص ۱۸ و اطلاعات، ۲۷۶۷، ۲۶، ۱۵۲۲۶.

تهیه می‌نمود و در سال ۴۵۰ خروار پنبه مصرف داشت (۳۲) و کارخانه «ایران» نامیده می‌شد و در ۱۹۱۱۳۱۹ (آخر سال ۱۲۸۹ هجری شمسی) تأسیس شد (۳۳) و دومین کارخانه نخ‌تابی (بعد از کارخانه صنایع الدوله) در ایران بود.

#### کارخانه پشم‌ریسی جورابچی برادران :

در سال ۱۳۰۵ در شهر تبریز تأسیس گردیده بود و ریسمانهای تابیده شده از پشمهای ماکو و خوی و خراسان برای بافت فرش و پارچه از نمرة ۵ الی ۱۶ تهیه می‌نمود، کلیه ماشین‌آلات کارخانه موتوری و موتور آن به قوه ۶۵ اسب بود و عده کارگران آن در روز ۲۱ نفر و میزان محصول این کارخانه با ۸ ساعت کار روزانه ۶۰ کیلو ریسمان برای پارچه‌بافی بود و اگر برای فرش بود ۹۰ کیلو. بعلاوه کارخانه پشم حلاجی شده را برای نمدمالها تهیه می‌نمود. این کارخانه در سال ۱۳۱۲ کلا سوخت و صاحب آن در سال بعد آن را اصلاح کرد و بکار انداخت. سرمایه اولیه کارخانه ۶۰۰ هزار ریال بود و صاحب آن حاجی رضا جورابچی بود (۳۴).

#### کارخانه نساجی شاهی [قائم‌شهر]:

ساختمان این کارخانه سال ۱۳۰۹ شروع شد و قسمت نخ‌ریسی آن در فروردینماه ۱۳۱۰ آماده کار و بهره‌برداری گردید (۳۵). قسمت پارچه‌بافی آن در سال ۱۳۱۲ توسعه یافت و قسمت هیدروفیل آن در سال ۱۳۱۸ شروع بکار کرد. ظرفیت کارخانه ۲۵۷۱۲ دوك تمام تاب می‌بود و بیشتر محصول این کارخانه برای تهیه پارچه مصرف می‌گردید. دستگاه‌های بافندگی کارخانه شامل ۱۵۰ دستگاه عریض و ۱۴۰ دستگاه کم‌عرض و هشت دستگاه ماشین ژاکار و ۴ دستگاه برزنت‌بافی بود و نیز چند

۳۲- مجله اطاق تجارت ش ۱۷ ص ۳۷ و اطلاعات ۲۸۳۳، ۱۲۴۱۲۰۱۵.

۳۳- مجله بانك ملی ایران ش ۱۷ ص ۱۱.

۳۴- اطلاعات ۲۷۶۸، ۲۷۲۷۰۱۵.

۳۵- ماهنامه سازمان برنامه س ۲ ش ۶ ص ۴۳ و ش ۱۳۴ ص ۱۸ و اطلاعات ۲۷۶۷،

۱۵۲۲۶.

دستگاه ماشین‌های بافندگی مختلف برای نواربافی، مچ‌پیچ بافی و طناب‌بافی هم داشت. محصول روزانه قسمت نخ‌ریسی کارخانه در حدود ۳۷۰۰ کیلو می‌بود که قسمتی از این محصول بصورت نخ بازار می‌آمد و قسمت دیگر آن بصورت پارچه‌های مختلف در می‌آمد. محصول روزانه قسمت بافندگی کارخانه در حدود ده هزار متر از انواع پارچه‌ها می‌بود. قسمت هیدروفیل کارخانه روزانه دویست کیلو محصول داشت (۳۶). قسمت رنگرزی، چاپ، مرسریزه که پارچه‌های خام و پیراهنی و ملحفه و حوله و پرده‌های ژاکار و رومیزی و غیره تهیه می‌نمود. قسمت هیدروفیل پنبه‌های الیاف کوتاه را پس از ضدعفونی نمودن به بسته‌های ۵۰ گرمی تا یک کیلوئی تبدیل و قسمت اعظم مصرف داخلی کشور را تأمین می‌نمود و قسمت مرکز برق و بخار دارای سه توربین هریک بقدرت ۶۰۰ کیلووات. قسمت تعمیرخانه و نجارخانه یک قسمت از این کارخانه بوسیله بانك ملی از آلمان خریداری شده بود و بقیه بدون توجه به ماشین‌های موجود و جلب نظر متخصصین فنی و نکات اقتصادی، از انگلستان و مقداری از ماشین‌های بافندگی هم از سوئیس خریداری شد... در نتیجه این کارخانه با تحولاتی که در شهریور ۱۳۲۰ پیش‌آمد نمود، تا سال ۱۳۳۳ حتی دوران تنزل ریال به ۱۳۰ تا ۱۴۰ در مقابل یک دلار زیان داده و بعد از آن هم یک کارخانه زیان‌آور بوده‌است (۳۷).

در مهر ۱۳۳۲ ديك بخار تازه‌ای در ایران برای این کارخانه ساخته شد. با این توضیح که چون احتمال می‌رفت که ديك بخار کارخانه بعلت ۲۲ سال بهره‌برداری حادثه غیرمترقبه‌ای بیار آورد، مهندسی ایرانی ویکتورنام که هویت او معلوم نشد ديك تازه‌ای برای آن ساخت و آن را بکار انداخت و ظاهراً مهندسین آمریکائی نیز آن را پسندیدند و در آن

۳۶- ماهنامه سازمان برنامه س ۲ ش ۶ ص ۴۳.

۳۷- مجله سازمان برنامه س ۱ ش ۲ ص ۹۰ تیر ۱۳۳۵ و نیز ش ۵ و ۶ و ۷ ص ۸۲.

ابتدا بانک ملی هم در آن سهمی داشت، اما پس از چند ماه از این امر صرف‌نظر نمود، ولی بازرگانان رشته را از دست ندادند، مقاومت کردند تا سرانجام پس از سه سال توانستند کارخانه نخریسی وارد و دایر کنند (۴۳). سرمایه اولیه شرکت ۲۵۰۰۰۰۰ ریال بود که بعداً به ۵۰۰۰۰۰۰ ریال (۴۴) رسانیده شد و پس از استهلاك سرمایه اولیه (۴۵) مبلغی از سود صاحبان سهام را برای تکمیل کارخانه و خرید ماشین‌آلات جدید اختصاص دادند، بطوریکه در پایان سال ۱۳۲۶ سرمایه کارخانه مزبور بالغ بر ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال برآورد شد. عملیات امتحانی کارخانه در اسفند ۱۳۱۳ آغاز شد (۴۶). و در آن هنگام کارخانه ۴۲۰۰۰ دوک داشت و بعداً ۲۸۰ عدد دیگر که بکار افتاده بود بر آن اضافه شد و دستگاه مرسریزاسیون هم وارد گشت و در کارخانه بکار افتاد. نیروی کارخانه از دو موتور قوی بقدرت ۴۴۰ و ۲۵۰ اسب تأمین می‌شد که بعداً موتورهای دیگری بر آن دو افزودند، بطوریکه در ۱۳۲۶ قوه موتوری کارخانه از ۹۴۰ اسب تجاوز نمود (۴۷). هفت هزار دوک کارخانه که در بالا ذکر شد يك لا بود و دو هزار دوک دولا نیز داشت و محصول آن نخ از شماره ۱۰ تا ۴۲ خام و تابیده و مرسریزه بود (۴۸). قسمت‌های مختلف کارخانه بشرح ذیل بود ۲۸۰ دستگاه کاروبیق، نه دستگاه شش‌لاکنی، شش دستگاه فلایر، پنج دستگاه دوتابه، بیست و هفت دستگاه کلافه‌کنی و این قسمت‌ها غیر از دستگاههای تصفیه و حلاجی بوده است. یکی از امتیازات کارخانه اقبال این بود که بوسیله دستگاههای مخصوص نخ نمره ۴۰ و ۶۰ را ابریشم‌نما

عیبی ندیدند و گفته شده است که درباره آن اظهار عقیده کرده‌اند که ساختمان آن با آخرین سیستم دیک بخار در کشورهای مترقی برابر است و نیز گفته شده است که با پایان یافتن این دستگاه در حدود ۱۵۰۰۰۰ تومان در ماه از لحاظ خریداری نیروی برق از کارخانه گونی‌بافی صرفه‌جویی شده است. همچنین بعلت افزایش نیروی برق روزی شش هزار متر پارچه اضافه تولید شده بوده است (۳۸) در اسفند ۳۳ دو بیست و پنج‌جانه دستگاه از ماشینهای بافندگی کارخانه چیت‌سازی تهران باین کارخانه منتقل و نصب شد تا بجای تهیه نخ، پارچه بافته شود و در آن هنگام کارخانه ۲۸۰۰۰۰ دوک مختلف برای بهره‌برداری آماده داشت (۳۹). در دیماه ۳۳ دو هزار و سیصد و بیست نفر کارگر در آن کار می‌کردند... در آن تاریخ کارخانه دارای چهار توربین مولد برق بود که در ۲۴ ساعت ۲۶ هزار کیلووات برق تولید می‌کرد... برای کارگران مدرسه و باشگاه ورزش و شیر-خوارگاه و کودکانستان و استادیوم ورزش و برای کارمندان آن خانه احداث کردند. استادیوم آن که بیست میلیون متر مربع زمین را دربر گرفته، دارای کلیه وسایل ورزشهای باستانی و فرنگی است (۴۰).

پنجسال بعد در ۹ دی ۳۸ این کارخانه آتش‌گرفت و دو ساعت می‌سوخت و کلیه قسمت رنگرزی و شعبات وانبار رنگ آن سوخت و قریب سی میلیون خسارت ببار آورد (۴۱). در برنامه سوم برای تکمیل و توسعه این کارخانه و چیت‌سازی به‌شهر مبلغ ۳۳۶۰۰۰۰ ریال منظور شده بود (۴۲).

### کارخانه نخریسی اقبال یزد :

در همان سال ۱۳۱۰ جمعی از تجار یزد شرکتی تشکیل دادند که

- ۴۳- تاریخ یزد یا آتشکده یزدان ص ۴۲۲ و ۴۲۴.  
 ۴۴- مجله اطاق تجارت ش ۲۰۶ و ۲۰۵ ص ۲۹.  
 ۴۵- سرمایه نخستین کارخانه اقبال در دو سال اول تأسیس مستهلك شد. اطلاعات ۱۵ دی ۱۳۱۶.  
 ۴۶- کارخانه در روز جمعه ۲۳ اسفند ۱۳۱۳ افتتاح شد.  
 ۴۷- مجله کار س ۲ ش ۲۳ و ۲۴.  
 ۴۸- مجله اطاق بازرگانی ش ۲۰۴ و ۲۰۵ ص ۲۹.

- ۳۸- اطلاعات ۸۴۹۴، ۳۲۷۱۰.  
 ۳۹- اطلاعات ۸۶۳۲۱، ۳۳۱۲۲۵.  
 ۴۰- اطلاعات ۸۵۷۶، ۳۳۱۰۱۹.  
 ۴۱- اطلاعات ۱۰۱۰۲، ۳۸۱۰۹، شماره ۱۴ دی ۱۳۳۸.  
 ۴۲- گزارش پیشرفت برنامه عمرانی... ص ۱۶۱.

می کرد و نخ ابریشم‌نما برای بافتن جورابهای ظریف که شباهت به جوراب‌های بافت کشورهای بیگانه داشت بکار می‌رفت و این دستگاهها را اولین مرتبه کارخانه اقبال وارد کرد. امتیاز دیگر کارخانه اقبال داشتن ماشین تراش و تعمیرات بود که بوسیله آن هر آلت و اسبابی که شکسته و خراب می‌شد به وسایل الکتریکی در خود کارخانه تعمیر و اصلاح می‌شد و از اینراه کارخانه تأمین داشت... یعنی کمتر وقتی در نتیجه شکستن و یا خراب شدن اسبابی از کار بازمی‌ماند (۴۹).

#### کارخانه درخشان و هراتی یزد:

در سال ۱۳۱۲ آقا حسینعلی هراتی فرزند حاجی ابوالقاسم از تجار یزد، کارخانه درخشان را شرکت یک تن از زردشتیان سرمایه‌دار بنام بهرام تأسیس نمود. ماشین‌های این کارخانه توسط استاد غلام صنعتی وارد شده بود که آنها را در محل کنونی نصب کردند (۵۰) سرمایه اولیه این کارخانه ده میلیون ریال بود و در بدو تأسیس کارخانه ۱۱۴۰ دوك باریک‌ریس (ابریشم) و ۴۵۸ دوك کلفت ریس و ۱۵ دستگاه بافندگی تکمیل کاری داشت (۵۱).

بعدها سرمایه کارخانه به دو میلیون و پانصد هزار ریال (۵۲) و بعد از آن به چهار میلیون و پانصد هزار ریال (۵۳) و شش میلیون ریال افزایش داده شد. کارخانه ظرفیت تهیه ۷۲ تن نخ ابریشم از شماره ۸ تا ۴۰ و بافتن ۸۰ هزار متر پارچه پشمی داشت و علاوه بر ۱۵ دستگاه بافندگی مذکور یکصد دستگاه بافندگی موتوری دستی نیز تهیه کرده بود (۵۴) و نیز

۴۹- اطلاعات ۲۲۳، ۱۵، ۱۶، ۱۰، ۱۶.

۵۰- تاریخ یزد یا آتشکده یزدان ص ۴۲۰.

۵۱- مجله کار س ۲ ش ۲۳ و ۲۴ ص ۶.

۵۲- مجله اطاق تجارت ش ۱۳۰ و ۱۳۱ ص ۲۷.

۵۳- مجله اطاق تجارت ش ۲۰۴ و ۲۰۵ ص ۲۹.

۵۴- همان مجله ش ۲۲۷ ص ۵.

اولین کارخانه‌ای بود که کرک بافی داشت (۵۵) و نخ دولا تاب هم تولید می‌کرد. و باز آقا حسینعلی هراتی در سال ۱۳۱۴ کارخانه دیگری با سرمایه شخصی تأسیس نمود و ده میلیون ریال برای آن سرمایه‌گذاری کرد. این کارخانه برای رشتن پنبه بود و سه هزار و دویست دوك پنبه‌ریسی و ۶۷۶ اسب نیرو داشت (۵۶). بعداً سرمایه آن به ۳۵۰۰۰۰۰ ریال ترقی داده شد و باز هم دوبرابر گشت و ۵۰۰ دوك دیگر با ۵۲ دستگاه بافندگی برای آن خریداری شد. دستگاههای مهم کارخانه در ۱۳۱۶ از اینقرار بوده است:

۱- دو دستگاه مخصوص تصفیه و حلاجی پنبه.

۲- کاروینی که برای تبدیل پنبه حلاجی به لوله‌های منبسط بکار می‌رود.

۳- شش دستگاه شش‌لاکنی که لوله‌های منبسط پنبه را اندکی باریکتر و متراکم می‌سازد.

۴ و ۵- فلایر اول و فلایر دوم که لوله‌های متراکم و باریک پنبه را مبدل به نخ می‌سازد.

۶- نه دستگاه ریسندگی که نخها را مناسب برای بافتن پارچه و غیره می‌سازد (۵۷). محصول کارخانه نخ پنبه از شماره ۲۰ تا ۴۲ خام و تابیده بوده است و با سیصد نفر کارگر سالیانه ۴۵۰۰۰۰ بوقچه نخ تولید می‌کرده است. کارخانه در محله سلسبیل در مشرق یزد واقع است (۵۸).

#### کارخانه چیت‌سازی بهشهر:

ساختمان این کارخانه در سال ۱۳۱۴ شروع شد و در سال ۱۳۱۷

۵۵- همان مجله ش ۱۰۲ ص ۷.

۵۶- مجله کار س ۲ ش ۲۳ و ۲۴ ص ۶.

۵۷- مجله اطاق بازرگانی ش ۲۰۴ و ۲۰۵ ص ۲۹ و ش ۲۲۷ ص ۵ به بعد.

۵۸- مجله کار س ۳۱ و ۲۲ ص ۱۴.

بهره‌برداری از آن آغاز گردید (۵۹). در موقع تأسیس ۳۰۰۰ دوک ریسندگی و ۱۵۰ دستگاه بافندگی برای بافتن پارچه‌های ساده پنبه‌ای داشت، ولی بتدریج دستگاههای سفیدگری و رنگرزی به آن اضافه شد. این ماشین‌ها و دستگاه را کمپانی اونیون‌ماتکس آلمان ساخته و نصب کرده بود... بعداً يك کارخانه معظم دیگر بهمان کمپانی سفارش داده شد که می‌توانست چهار هزار متر پارچه بوزن تقریباً سه هزار کیلوگرم در روز تهیه نماید. نصب این کارخانه مدت دوازده ماه طول کشید و توسط متخصصین آلمانی انجام یافت و در آبان ۱۳۱۷ بهره‌برداری از آن آغاز شد. نیمی از دستگاههای بافندگی پارچه‌های ساده بود که بعداً بر روی آن رنگهای مختلف چاپ و با آن چیت تهیه می‌شد و یکصد دستگاه آن برای تهیه پارچه‌های متن‌دار بود. دستگاه چاپ آن می‌توانست دو رنگ و شش رنگ بر روی پارچه‌های ساده چاپ نماید. سرمایه اولیه آن ۹۰/۶۳۷/۳۷۹ ریال بود و کارخانه در محوطه‌ای به مساحت هفتاد و پنج هزار متر مربع ساخته و از پنج قسمت تشکیل شده است:

- ۱- قسمت ریسندگی با ۳۲۴+۴ دوک ۲- قسمت بافندگی دارای ۱۲۰۰ دستگاه ماشین بافندگی ۳- قسمت رنگرزی و چاپ که پارچه‌های خام را تبدیل به چلوار و پاتیس و یا چیت‌های مختلف می‌نماید ۴- مرکز نیرو که دارای سه دستگاه توربین است که هر يك ۸۰۰ کیلووات قدرت دارد ۵- قسمت تعمیرخانه و نجارخانه

ظرفیت کارخانه در حدود ۲۰ میلیون متر پارچه است (۶۰) و انواع چیت، چلوار، متقال و پارچه‌های مخصوص شمد و پشه‌بند و پیژاما را تهیه می‌کند (۶۱). سازمان برنامه در برنامه دوم با صرف اعتباراتی

۵۹- اطلاعات ۲۲۳- ۱۶۱۰۱۵.

۶۰- ماهنامه سازمان برنامه س ۲ ش ۶ ص ۴۵ و نیز ش ۵ و ۶ و ۷ ص ۸۱ و مجله

بانک صنعتی ش ۱۰ و ۱۱ ص ۲۰.

۶۱- مجله کار ش ۲۱ و ۲۲ ص ۱۴.

در حدود ۵۵ میلیون ریال ماشین‌های نخریسی کارخانه را تکمیل کرد و دو دستگاه موتور مولد برق در کارخانه نصب و بقیه قسمت‌ها را اصلاح و تکمیل نمود (۶۲)... در این کارخانه يك قسمت از ریسندگی کوچکتر از قسمت بافندگی بود، بنحوی که مقداری از کارخانه تا امروز «اسفند ۱۳۳۵» بدون استفاده مانده است (۶۳).

### کارخانه‌های خصوصی دیگر (۶۴):

در سال ۱۳۱۳ تعداد کارخانه‌های بافندگی به هشت رسید و در سال ۱۳۱۴ به نه، و در سال ۱۳۱۵ به چهارده. در اواخر سال ۱۳۱۵ مجموع سرمایه چهارده مؤسسه مذکور در حدود ۷۵ میلیون ریال بود که شصت میلیون آن نقداً پرداخته شده بود. در ششماهه اول سال ۱۳۱۶ نیز دو کارخانه دیگر بکار افتاد و سفارش ماشین‌آلات پنج کارخانه نخریسی دیگر داده شد. کارخانه‌های موجود نیز تدریجاً عده دوک‌ها و دستگاههای نخریسی را افزودند و برای ازدیاد و بهبود جنس محصول ماشین‌های جدید خریداری نمودند. دولت نیز سیاست حمایت از صنایع را بنفع این مؤسسات در پیش گرفت. برای دریافت رونق کار سرمایه‌گذاری در صنعت پارچه‌بافی و نخریسی از ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ فهرست ذیل راهنمای خوبی است.

### نخریسی سمنان:

متعلق به شرکت سهامی ریسمن ریزی سمنان محدود که مرکز آن در تهران بود با دویست و پنجاه هزار تومان سرمایه نقدی در شهریور ۱۳۱۰ شروع بکار کرد (۶۵). کارخانه‌ای که این شرکت سفارش داد

۶۲- اطلاعات ۱۱۱۳۳، ۱۵۱۶۴۲.

۶۳- از سخنرانی‌های ابتهاج در دانشگاه تهران - اخبار دانشگاه پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۳۵.

۶۴- مجله بانک ملی شماره ۱۷ ص ۳.

۶۵- مجله بانک ملی ایران ش ۱۷ آبان ۱۳۱۶ ص ۱۱.

### شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی اصفهان :

در تاریخ ۱۱/۱۱/۱۹۱۹ با سرمایه ۳۱۴۰۰۰۰ ریال در اصفهان تحت شماره ۸ به ثبت رسید، ولی سرمایه آن را مآلاتاً ۱۰۳۹۰۰۰ ریال در نظر گرفته بودند که بالاخره از آن مبلغ ۸۷۳۲۵۰۰ ریال پرداخته شد و در تیرماه ۱۳۱۳ شروع بکار نمود (۷۰) ماشین‌آلاتی که در وهله اول خریداری شد و از نیمه دوم سال ۱۳۱۳ بکار افتاد عبارت از ۴۸۰۰ دوک ریسندگی بود و تا آخر سال مذکور جمعاً ۵۴۲۷۹ بوقچه ریسمان بیرون داد.

ماشین‌آلاتی که بعد از نیمه دوم سال ۱۳۱۳ خریداری گردید دارای ۴۲۲۴ دوک بود و بهر حال قسمت عمده ماشین‌آلات پیش از خرداد ۱۳۱۷ وارد و نصب گردید ولی بواسطه کافی نبودن سرمایه شرکت برای تأمین احتیاجات و هزینه قبلی بهره‌برداری آن به اشکال صورت می‌گرفت. قسمت دیگری از ماشین‌آلات آن هم سال بعد به اصفهان رسید و قسمت سوم در راه بود که جمعاً حدس زده می‌شد که تا اوایل مهر ماه ۱۳۱۸ نصب گردد و از اینرو هیئت‌مدیره در مجمع عمومی اختیار خواست که لایحه اقتضاء سرمایه شرکت را تا ده میلیون و پانصد هزار ریال اضافه نماید (۷۱). با این تصمیم یک دستگاه کامل سیستم جدید ریسندگی و بافندگی پشم بضمیمه دستگاه رنگرزی سفارش داده شد و نظر باینکه ... ریسمان نمره ۴۰ تا ۶۰ کلاف برای کشفافی لازم بود ۲۰۲۴ دوک با کلیه لوازم و ماشین-آلات جهت تأمین منظور فوق خریداری شد (۷۲). ماشین‌آلات شرکت بترتیب از کمپانی پلات و اونیون ماتکس آلمان خریداری شده بود و موتورهای کارخانه هم از کمپانی ام. آ. ان. و زیمنس.

در سال ۱۳۳۴ وضع کارخانه روبه بحران رفت بطوریکه نتوانست

دارای ۴۲۰۰ دوک ریسندگی بود و در دیماه ۱۳۱۱ شروع بکار کرد. بتدریج بر سرمایه شرکت افزوده شد تا به ۵ میلیون ریال رسید. پس از افزایش سرمایه شرکت اجازه ورود ۵۸۰۰ دوک دیگر گرفت. از این ۵۸۰۰ دوک در حدود ۴۲۲۴ دوک آن در نیمه سال ۱۳۱۴ از کارخانه «هارتمان» آلمان خریداری شد. این کارخانه از کارخانجات درجه اول سازنده ماشین‌های ریسندگی است. محصول کارخانه ریسمان نمرات ۶-۸-۱۰-۱۲-۱۶-خام و ۱۰ و ۱۶ برای ریسمانهای نازک‌تر بود. شرکت در نظر گرفته بود ۱۶۰۰ دوک دیگر سفارش بدهد که کارخانه مزبور به این ترتیب دارای ده هزار دوک شود، بعلاوه می‌خواست برای رفع احتیاجات داخلی دو بست دستگاه نساجی یا صباغی تکمیل وارد کند که کارخانه دستگاه پارچه بافی نیز داشته باشد (۶۶). سرمایه شرکت بعداً به ۷۵۰۰۰۰ ریال افزایش داده شد و دستگاههای بافندگی به سیصد، و در نتیجه توانست ریسمان از شماره ۶ تا ۴۲ خام تابیده، سفید و رنگ شده تهیه نماید (۶۷).

### کارخانه ریسندگی رحیمزاده و شرکاء :

در تاریخ ۲۵/۲/۱۲ در اصفهان تحت شماره ۲۳ و عنوان شرکت نسبی حاجی عبدالرسول روغنی اصفهان به ثبت رسید و صد و ده هزار تومان سرمایه داشت و در اردیبهشت ۱۳۱۳ شروع بکار کرد (۶۸).

### شرکت سهامی نساجی فارس محدود :

در تاریخ ۱۴/۱۲/۱۱ در شیراز تحت شماره ۵ به ثبت رسید و ۳۵۰۰۰۰ تومان سرمایه نقدی داشت و در خرداد ۱۳۱۳ شروع بکار نمود (۶۹).

۶۶- مجله اطاق تجارت ش ۱۳۰ و ۱۳۱ ص ۲۷.

۶۷- مجله اطاق بازرگانی ش ۲۲۷ خرداد ۱۳۱۹ ص ۵.

۶۸- مجله بانک ملی ایران ش ۱۷ آبان ۱۳۱۶ ص ۱۱.

۶۹- همان مجله.

۷۰- مجله بانک ملی ش ۱۷ ص ۱۲.

۷۱- مجله اطاق تجارت ش ۱۱۳ ص ۱۱.

۷۲- اطلاعات ۲۳۵۲، ۱۳۹۸.

حقوق کارگران را بپردازد و آنان نیز بعلت تعویق حقوق خود از خروج محصول کارخانه جلوگیری کردند و در نتیجه برطبق آگهی اداره تصفیه کارخانه ریسباف اصفهان تعطیل شد (۷۳)، و هیئت ارزیابان اداره مزبوره که آن کارخانه را زیر نظر داشت و اداره می نمود آن را به مبلغ ۹۷ میلیون ریال قیمت کرد، اما چون کارخانه کارگر اضافی داشت و در هنگام فروش قید می کردند که کارگران نباید اخراج شوند کسی خریدار آن نبود (۷۴). بعلاوه کارخانه ۲۳ سال بود که کار می کرد و بر اثر عدم توجه تعدادی از ماشین های مهم آن نیز از حیز انتفاع افتاده بود. در آن سال اداره کارخانه به حاج میرزا عبدالله مقدم واگذار و قطعات شکسته آن از نو ساخته و مجدداً نصب و بکار انداخته شد، ولی با همه اینها کارخانه از ورشکستگی نجات نیافت و ناچار اداره تصفیه امور ورشکستگی اصفهان آن کارخانه را بمزایده گذاشت (۷۵).

و در شهریور ۱۳۳۵ تقریباً یکسال پس از تعطیل کارخانه کارشناسان آلمانی برای ارزیابی آن اعزام شدند و آن کارخانه را به مبلغ ۱۳۷۰۶۹۴۷۳۰ ریال ارزیابی نمودند (۷۶) و در این موقع اموال کارخانه نزد بانک ملی گرو بود و فروش آن متعذر، بناچار این کارخانه که زیر نظر اداره ورشکستگی اصفهان اداره می شد با استخدام دو کارشناس ژاپونی برای بهبود امور طراحی و رنگرزی و تکمیل پارچه پرداخت و این دو تن که اولین کارشناسان ژاپن در کارخانه های نساجی خصوصی ایران بودند در تاریخ یکشنبه ۸ مهر ۳۵ در آن کارخانه مشغول کار شدند. این دو تن برای یکسال استخدام شده بودند و حقوق ماهیانه آنها ۲۵۰۰۰

۷۳- اطلاعات ۸۸۰۳، ۳۴۷۱۸.

۷۴- اطلاعات ۹۰۳۹، ۳۵۳۳۱.

۷۵- اطلاعات ۸۹۲۸، ۳۴۷۲۶.

۷۶- اطلاعات ۹۱۱۱، ۳۵۹۱۷.

ریال بود (۷۷) در همان حال آگهی مزایده کارخانه نیز باین شرح انتشار یافت ★.

در دیماه ۴۰ این کارخانه پس از نه ماه تعطیلی مجدداً افتتاح گردید. در آن موقع محصول کارخانه را حدود ۲۵۰۰ متر پارچه پشمی (بغیر از نخ) در روز ذکر کرده بودند. در موقع افتتاح مجدد هنوز مسئله پرداخت حقوق کارگران حل نشده بود، زیرا در تاریخ ۱۱ دیماه حقوق سه ماه ونیم کارخانه را پرداختند و قرار شد بقیه حساب معوقه را بطور اقساط بپردازند (۷۸). در آبان ۴۴ کارخانه ریسباف پس از مدتها تعطیل، توسط هیئت حمایت از صنایع افتتاح شد (۷۹).

### کارخانه یوسف لطفعلی خنجی :

این کارخانه نخریسی بود و در بندر عباس تأسیس شد و قریب چهار هزار

۷۷- اطلاعات ۹۱۳۳، ۳۵۷۱۴.

★- وضع ماشین آلات:

الف - قسمت ریسندگی پنبه شامل ماشین های آماده کردن پنبه - حلاجی ریسندگی (در دو قسمت قدیمی و جدید) رنگرزی و سفیدکاری - قسمت مرسریزه برای نخ. ب- قسمت عملیات پشم شامل ماشین های حلاجی پشم (پشم شوئی در دو قسمت) ریسندگی اشترایکان، ریسندگی کامکاران، نساجی، رنگرزی تکمیل پارچه، تکمیل پارچه خشک. ج- قسمت های متفرقه شامل چین برای تصفیه پنبه. د- مراکز نیرو شامل دیگ بخار و مراکز آب، مرکز برق در دو قسمت قدیمی و جدید. ه- کارگاهها شامل تعمیرگاه - حلبی سازی، نجاری، کارت ژاکارت سازی و متفرقه شامل فانوایی و وسایل جلوگیری از آتش سوزی و قسمت نخ سازی.

و - وضع زمین و ساختمان کارخانه جمعاً دارای ۶۸۰۹۵۰۱۱ متر مساحت که ۳۲۷۴۳۲۸ متر آن زیربنای سالن ها و انبارها بحساب آمده است. مزایده را از مبلغ ۱۳۷۰۹۶۴۷۳۰ ریال در نظر گرفته بودند. اطلاعات ۹۱۴۱، ۳۵۷۳۳ و در تجدید مزایده از مبلغ ۱۳۷۰۹۶۴۷۳۰ ریال. اطلاعات ۹۲۶۱، ۳۵۹۱۲.

۷۸- اطلاعات ۱۰۶۹۵، ۴۰۱۰۱۱.

۷۹- اطلاعات ۱۱۸۲۱، ۴۴۸۰۹.



دوگ داشت و در ابتدا شبانه روز ۲۰ ساعت کار می کرد (۸۰).

در بهمن ۱۳۱۳ شرکت مشکوة جورابچی یک دستگاه ماشین ریسمان-ریسی دارای ۴۳۴۰ دوگ وارد کرد که در ده ساعت ۳۵۰ بوقچه ریسمان به نمرات مختلف بیرون می داد و همچنین ماشین نساجی که در ده ساعت ۱۶۰۰ متر از اقسام پارچه و منتقال و پتو و حوله و پارچه های مبلی و رومیزی می بافت. این ماشینها از آلمان وارد و بوسیله ۵ نفر متخصص آلمانی .... در محل کارخانه واقع در میدان شاه نصب شده بود، موتور محرک ماشینها دو دستگاه و هر دستگاه بقوه ۲۲۰ اسب بود که از اول اردیبهشت ۴۴ بکار افتاد (۸۱)

شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی زاینده رود اصفهان:

در تاریخ ۱۴۲۲ در اصفهان تحت شماره ۶۳ به ثبت رسید. سرمایه آن ۳۰۵۳۰۰۰ ریال بود که تماماً پرداخته شده بود و در تاریخ اول اردیبهشت ۱۳۱۵ شروع بکار نمود (۸۲).

هیئت مدیره کارخانه مرکب بود از آقایان محمد کازرونی رئیس محمد جعفر کازرونی، حاجی زین العابدین امین، سید عبدالرحیم محمودیه و حاج محمد کریم سمسار (۸۳).

کارخانه دارای ۸۲۵۰ دوگ و ۲۰۰۰ دوگ دولائی بود و ۱۵۰ دستگاه ماشین بافندگی و چندین دستگاه رنگرزی و تکمیل کننده (۸۴) از آلمان و انگلستان برای آن خریداری شده بود و ظرفیت تهیه سالی شش میلیون متر پارچه نخی را داشت، اما هرچند که به تعداد دستگاههای بافندگی افزوده و کارخانه دارای ۱۶۳ دستگاه بافندگی شد و بیش از ۱۲۰۰ نفر

کارگر داشت، بطور متوسط در سال بیش از یک میلیون و هشتصد هزار متر پارچه نمی بافت. مواد اولیه این کارخانه در داخله تهیه می شد. پنبه امریکائی و فیلستانی و بومی بود و از خارج رنگ و بعضی مواد شیمیائی وارد می شد این کارخانه هم مانند سایر کارخانهها دچار بحران شد بطوریکه در خرداد ۳۵ در وضع خطرناکی قرار گرفته و تقریباً متوقف شده بود، زیرا دارای سی میلیون ریال قرض بود و حال آنکه ارزش آن بیش از چهار میلیون ریال نبود و به موجب اساسنامه کارخانه، چنانچه میزان بدهی کارخانه بیش از نصف سرمایه می شد می بایست عملیات متوقف گردد (۸۵). ولی در برنامه سوم هیئت حمایت از صنایع برای احیاء و بکار انداختن مجدد آن بیست میلیون ریال اعتبار داد و هیئت مدیره شرکت نیز در تاریخ ۲۱ شهریور ۳۵ تصویب نموده بود که معادل ۲۰ میلیون ریال بر سرمایه شرکت علاوه شود (۸۶) و از نظر اختلال کار کارخانه در تاریخ ۲۶/۸/۲۴ هیئت... در محل آن کارخانه حضور یافته با اتخاذ تصمیماتی قرار گذاشتند که محصول موجود کارخانه که از طرف کارگران توقیف شده بود آزاد شود و بفروش برسد و نیمی از بهای پارچه های فروخته شده بمصرف خرید مواد اولیه برسد و نیم دیگر بابت دستمزد معوقه کارگران پرداخت گردد و بهمین ترتیب مجدداً محصول کارخانه فروخته شده نصف بنصف تقسیم شود و باین صورت قسمتی از دستگاههای کارخانه بکار افتاد و بقیه دستگاهها و کارگرانی که با آن دستگاهها کار می کردند بتدریج مشغول کار شدند (۸۷) و تا آبان ۴۴ نیز این کارخانه زیر نظر هیئت حمایت صنعتی اداره می شد (۸۸).

۸۵- اطلاعات ۹۰۳۹، ۳۱/۳/۳۵.

۸۶- اطلاعات ۹۱۲۰، ۲۷/۶/۳۵.

۸۷- اطلاعات ۱۱۲۴۷، ۲۷/۸/۴۲.

۸۸- اطلاعات ۱۱۸۲۷، ۱۷/۸/۴۴.

۸۰- مجله بانک ملی ش ۱۲ ص ۵۲.

۸۱- اطلاعات ۲۴۱۵، ۲۷/۱۱/۱۳.

۸۲- مجله بانک ملی ش ۱۷ ص ۱۲.

۸۳- اطلاعات ۲۷۵۲، ۲/۱۵/۱۵.

۸۴- مجله اطاق تجارت ش ۱۳۳ ص ۳۱.

## مؤسسه ریسندگی برق دهش - اصفهان:

در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۱۵ بکار نخریسی شروع کرد (۸۹) و اگر همان کارخانه نور اصفهان باشد از جریان کار آن اطلاع درستی بدست نیامد، ولی احتمالاً از کارخانه‌های منظم و دور از بحران نبوده و منجمله در بهار سال ۳۱ در حال تعطیل بوده و در نتیجه اقدامات وزارت کار و تصمیم وزارت جنگ بسفارش دادن به آن مجدداً شروع بکار کرده بود (۹۰) و در مهرماه ۳۵ هم تعطیل بوده و مدتی از تعطیل آن می‌گذشته است... در آن تاریخ یکی از بازرگانان حاضر شده بود کارخانه مزبور را ماهیانه دویست هزار ریال اجاره کند ولی مدیران کارخانه به بهانه اینکه این مبلغ برای آنها زیان دارد قبول نکردند (۹۱). در دیماه ۳۷ مبلغ ۲۵ میلیون ریال به سرمایه ۵۰ میلیون ریالی آن اضافه شد و مجمع عمومی به شرکت اجازه داد که در صورت لزوم ۲۵ میلیون ریال دیگر سهام جدید انتشار دهد (۹۲). این افزایش سرمایه اندک مدتی کارخانه را بکار انداخت و دوباره در آغاز سال ۳۹ کارخانه بحالت تعطیل درآمد و مدیر آن بعامل نامعلومی متواری گردید. در آن موقع کارخانه نزدیک به یکصد میلیون ریال به بانک ملی و دولت بمناسبت وامهائی که گرفته بود بدهکار بود و بعلاوه در حدود ۶۰ میلیون ریال می‌بایست به مردم بپردازد. بهمین جهت طلبکاران پس از اینکه مدتی صبر کردند و از مدیر کارخانه خبری نشد ناچار برای کارخانه عرض حال توقف تنظیم نمودند و به مقامات قضائی تسلیم داشتند (۹۳). در آبان ۴۴ نیز کارخانه تعطیل بود. چه راجع به آن نوشته بودند: «کارخانه نور

۸۹- مجله بانک ملی ش ۱۷ ص ۱۲.

۹۰- همان مجله ش ۱۲۲ و ۱۲۳ ص ۸۳.

۹۱- اطلاعات ۹۱۳۸، ۱۹۷۱۹، ۳۵۷۱۹.

۹۲- اطلاعات ۹۸۱۷، ۲۷۱۰۳۷.

۹۳- اطلاعات ۱۰۳۲۷، ۱۶۷۱۶، ۳۹۷۱۶.

## سالهاست تعطیل شده (۹۴).

## شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی خوزستان - اهواز:

در تاریخ ۱۴۲۶ در اهواز تحت شماره ۵ به ثبت رسید و سرمایه آن ۱۹۰۰۰۰ تومان بود که تماماً پرداخته شده بود و شرکت در تاریخ ۱۵۳۳۱ شروع بکار نمود (۹۵) و بعداً سرمایه آن را به ۵۰۰۰۰۰ ریال رسانیدند.

کارخانه‌ای که این شرکت وارد کرد متجاوز از ۱۲۰ دستگاه ماشین‌های مختلف داشت و منجمله ۲۲ دستگاه ماشین مخصوص ریسندگی که هر یک متجاوز از ۴۰۰۰ دوک داشت. پنبه پس از حلاجی بوسیله ماشین‌های مزبور لوله و به دور دوکها پیچیده می‌شد. این دوکها پس از پرشدن به ماشین‌های موسوم به فلایر تحویل می‌شد در آنجا قدری نازک‌تر شده باما شینه‌های دیگر نخ به نمرات ۱۰-۲۰-۳۰-۴۰ تهیه می‌نمود، ولی اصولاً کارخانه می‌توانست ریسمان از نمره ۶ تا ۶۰ بصورت خام و یا تاپیده تهیه کند. محصول کارخانه در آغاز روزی ۶۵۰ بوقچه نخ به نمرات مختلف بود و تا ۸۸۰ بوقچه هم می‌توانست تهیه کند. موتور کارخانه دارای ۷۶۰ اسب قوه بود و موتور دیگر هم بقوه ۵۱۰ اسب سفارش داده بودند. محل کارخانه در جنوب غربی اهواز و در یک کیلومتری ایستگاه کارون و دارای ۷۵ جریب مساحت بود که جمعاً بقیهت ۶۵۲۵ ریال خریده بودند (۹۶). برای جلوگیری از گرما در سالن کارگران چند دستگاه ماشین‌های مخصوص تهویه در سقف عمارت تعبیه و نصب کرده بودند و بعلاوه برج مخصوص سردکردن آب نیز در کارخانه ساخته

۹۴- اطلاعات ۱۱۸۲۷، ۱۷۸۱۷، ۴۴۸۱۷.

۹۵- مجله بانک ملی ایران ش ۱۷ ص ۱۲.

۹۶- مجله اطاق تجارت ش ۱۱۸ ص ۲۸.

شده بود که درجه حرارت آب را از ۴۵ و ۵۰ به ۲۰ می‌رسانید (۹۷). این کارخانه در بدو تأسیس غالباً شبانه‌روزی ۲۰ ساعت کار می‌کرد، مگر آنکه به کمبود موجودی پنبه برخورد کند، یا به کساد بازار و فروش نرفتن محصول (۹۸).

#### شرکت سهامی ریسندگی کاشان:

در تاریخ ۱۳۹۹۲۸ در کاشان تحت شماره ۵ به ثبت رسید و دویست هزار تومان سرمایه نقدی داشت، در اول تیرماه ۱۳۱۵ شروع بکار نمود (۹۹). این شرکت یک کارخانه نخ‌ریسی شامل ۶۴۰۰ دوک و دستگاههای مولد نیرو و سایر تجهیزات آن وارد کرد و از سال ۱۳۱۵ شروع به بهره‌برداری نمود (۱۰۰). محصول این کارخانه ریسمان از شماره ۴ تا ۸۰ تابیده و خام و رنگ‌رزی و مرسریزه بود و با سیصد نفر کارگر و ده ساعت کار سالیانه نود هزار بوقچه محصول داشت (۱۰۱). هیئت مدیره شرکت سهامی ریسندگی کاشان در مجمع عمومی فوق‌العاده اول تیر ۲۷ به منظور توسعه کارخانه تصویب نمود که مبلغ ۴۸ میلیون ریال به سرمایه شرکت اضافه شود و در نتیجه تأسیسات قدیمی کارخانه با ورود ماشین‌آلات جدید ریسندگی و بافندگی و چیت‌سازی به چند برابر توسعه یافت که دستگاههای آن در سال ۱۳۲۹ بکار افتاد. در سال ۱۳۳۳ و ۱۳۳۸ نیز کارخانه توسعه مجدد یافت و بطور خلاصه بعداً کارخانه دیگری از طرف شرکت وارد شد شامل ۱۴۰۰۰ دوک نخ‌ریسی و ۵۰۸ دستگاه ماشین بافندگی و ماشینهای رنگ‌رزی و چاپ و تکمیل که روزانه ۷۰ هزار متر پارچه تیب پشم - تیب ابریشم - پوپلین - ساتن - کرپ

دوشین تولید می‌نماید (۱۰۲). در این کارخانه دستگاههای «فینیشینگ» هم نصب شده است که پارچه را از چروک خوردن حفظ می‌نماید و ضمناً آن را آهار می‌زند پارچه در این ماشین تکمیل می‌شود و دیگر آب نمی‌رود و ماشین کار مرسریزاسیون را انجام می‌دهد. این کارخانه در محلی غیر از محل کارخانه قدیمی و در اراضی وسیعی ساخته و نصب شده و فقط انبار آن در حدود ۲۰۰ متر طول دارد (۱۰۳) و محدوده تأسیسات شرکت ریسندگی کاشان در حدود ۵۰۰۰۰ متر مربع است که ۸۲۰۰۰ متر آن ابنیه مورد احتیاج کارخانه را شامل است.

از اول تیر ۳۴ نیز مجمع عمومی سالیانه شرکت ریسندگی کاشان بمنظور تقویت بنیه مالی شرکت تصویب کرد که مبلغ ۴۵ میلیون ریال دیگر سرمایه شرکت اضافه شود (۱۰۴). سرمایه شرکت در سال ۱۳۴۶ به ۴۸۶ میلیون ریال بالغ گردیده است و هم‌اکنون در تأسیسات آن انواع ماشین‌آلات ریسندگی، بافندگی، رنگ‌رزی، چاپ و تکمیل پارچه، ماشین‌های کمکی و ماشین‌آلات سفیدکنی مشغول بکار است و تعداد دوکهای ریسندگی آن به ۳۶۵۰۰ و ماشین‌های بافندگی به ۱۰۴۰ رسیده است. قوه محرکه کارخانه با دو دستگاه توربین بخار بقدرت ۶۴۰۰ کیلووات و ده دستگاه دیزل بقدرت ۵۰۰۰ اسب است که از سال ۱۳۲۷ احتیاجات عمومی روشنائی برق کاشان را نیز تأمین می‌کرده است تولیدی کارخانه حدود یکصد هزار متر در روز است و تاکنون نود نوع منسوج از این کارخانه بیرون آمده است. در تأسیسات شرکت سهامی ریسندگی کاشان در سال ۱۳۴۶ حدود ۲۸۰۰ نفر کارگر بکار اشتغال داشته‌اند (۱۰۵).

#### شرکت سهامی برق فارس محدود - شیراز:

در تاریخ ۱۳۰۹۸۱۲ در شیراز تحت شماره ۴۸ به ثبت رسید

۱۰۲ و ۱۰۳ - اطلاعات ۱۰۶۵۳، ۱۰۸۲۱، ۴۰۸۲۱ و ۷۴۱۴، ۲۹۱۰۴

۱۰۴ - اطلاعات ۸۷۱۵، ۳۴۴۱۱

۱۰۵ - اطلاعات ۱۲۳۳۹، ۴۶۵۳

۹۷ - اطلاعات ۳۰۱۲، ۱۵۱۰۱۵ و ۳۰۱۸، ۱۵۱۰۲۱

۹۸ - مجله بانک ملی ایران ش ۱۲ ص ۵۲ و ش ۱۱ ص ۴۹

۹۹ - مجله بانک ملی ایران ش ۱۷ ص ۱۲

۱۰۰ - مجله اطاق بازرگانی ش ۲۲۷ ص ۵ به بعد

۱۰۱ - اطلاعات ۱۰۶۵۳، ۱۰۸۲۱، ۴۰۸۲۱ و ۷۴۱۴، ۲۹۱۰۴

و دارای ۱۰۵۶+ تومان سرمایه نقدی بود، در آذر ۱۳۱۵ شروع بکار نمود (۱۰۶).

#### شرکت سهامی نختاب اصفهان:

در تاریخ ۱۷/۳/۱۴ در اصفهان برای مدت ده سال به ثبت رسید. سرمایه‌ای که برای آن تعیین شده بود ۲۰۲۵۰۰ ریال بود که از آن مبلغ ۱۲۰۰۰۰ ریال پرداخت شد و در ۱۵ خرداد ۱۳۱۶ شروع بکار نمود (۱۰۷). سرمایه کارخانه را بعداً به پنج میلیون رسانیدند (۱۰۸) و محصول آن انواع قرقه‌های الوان و ساده بود از شماره ۱۰ تا ۴۰ و با ۲۵۰ نفر کارگر در روز سی هزار قرقه تولید می‌کرد. قرقه‌های ساخت این کارخانه ابتدا مطلوب و مرغوب نبود زیرا لعاب نداشت و چون این عیب را رفع کردند مشتری خوبی در بازار پیدا کرد و چیزی از عرضه آنها نگذشته بود که تقریباً ۳۰ درصد بر بهای آن افزوده شد و چون ورود نخ قرقه از خارج هم ممنوع شده بود این عمل در ترقی قیمت محصول کارخانه مؤثر واقع شد در موقع رواجی کارخانه شب‌ها را نیز مشغول کار بود (۱۰۹).

#### شرکت سهامی ریسندگی خورشید - کرمان:

در تاریخ ۱۸/۸/۱۴ در کرمان تحت شماره ۱۴ به ثبت رسید و سرمایه آن را دویست و هفتاد هزار تومان در نظر گرفته بودند که از آن مبلغ ۹۰۰۰۰ ریال پرداخت شد و شرکت در اول تیرماه ۱۳۱۴ شروع بکار نمود (۱۱۰). اعضای شرکت عبارت بودند از: احمد یزدان‌پناه-

ابوالقاسم هرنندی - محمود ریسمانی - محمد ارجمند کرمانی - کیخسرو کیانیان - مهدی حکیمزاده - محمد وعلی تدین و دکتر علی ایرانی کرمانی (۱۱۱). ماشین‌آلات این کارخانه در بهمن‌ماه ۱۳۱۵ وارد بندرعباس شد که به کرمان حمل شود (۱۱۲). این کارخانه در ۲۰ خرداد ۱۳۱۶ شروع بکار کرد (۱۱۳). و در آبان ۱۳۱۶ تمام ماشین‌آلات آن بکار افتاده بود و روزانه سیصد بوقچه نخ تهیه می‌کرد و می‌خواستند با افزودن ساعات کار (۲۰ ساعت در شبانه‌روز) آن را به چهارصد بوقچه برسانند (۱۱۴). پس از تأسیس سازمان برنامه و تشکیل شرکت نساجی آن اداره، این کارخانه هم که دچار بحران شده بود به مدت سه سال به آن شرکت واگذار شد در آذرماه ۳۹ این کارخانه بعلت بدهکاری زیاد و عدم پرداخت دیون معوقه به معرض فروش گذارده شد و تعطیل شد. علت آن بود که بانک توسعه صنعتی کرمان اجرائیه‌ای علیه کارخانه صادر کرد که کارخانه نتوانسته است قسط سوم از هفت میلیون ریال بدهی خود را به بانک بپردازد. اداره دارائی نیز بابت مالیاتهای معوقه دستور توقیف کارخانه را صادر نمود و برطبق اظهار رئیس هیئت مدیره کارخانه، پس از اعلان فروش کارخانه تأسیسات آن تعطیل شد (۱۱۵). چه آنکه بانک اعتبارات صنعتی در بهمن ۱۳۱۶ آگهی فروش ماشین‌آلات فرسوده این کارخانه را داد (۱۱۶).

#### کارخانه هارطونیان مشهد:

در سال ۱۳۱۲ تأسیس شده و ماشین‌آلات آن از آلمان اکتیاع گردیده بوده است. موتورهای کارخانه دارای ۵۰ اسب قوه بوده است و کارخانه

۱۱۱- مجله اطاق تجارت ش ۱۲۷ ص ۲۱.

۱۱۲- مجله بانک ملی ش ۱۲ ص ۵۲.

۱۱۳ و ۱۱۴- مجله بانک ملی ش ۱۵ ص ۵۷ و ش ۱۷ ص ۹۸.

۱۱۵- اطلاعات ۱۰۳۸۴، ۲۲/۹/۳۹.

۱۱۶- اطلاعات ۱۲۵۱۶، ۳۰/۱۱/۴۶.

۱۰۶- مجله بانک ملی ایران ش ۱۷ ص ۱۲.

۱۰۷- همان مدرک.

۱۰۸- مجله اطاق بازرگانی ش ۲۰۴ و ۲۰۵ ص ۲۹.

۱۰۹- مجله بانک ملی ایران ش ۳۰ ص ۷۲۴.

۱۱۰- مجله بانک ملی ایران ش ۱۷ ص ۱۲.

دارای ۵۰۰ دوک و در هر ده ساعت از ۱۶ تا ۳۰ کیلو نخ تهیه می‌نموده است. عده کارگران کارخانه در روز بالغ بر ۳۰ نفر می‌شده و محصول این کارخانه نخهای پشمی بوده است که بمصرف قالی‌بافی می‌رسیده و قسمتی از این نخها به خارجه صادر می‌گردیده است. پارچه‌های کارخانه‌های مزبور زمستانی و بهاری و تابستانی بوده است... کارخانه مزبور می‌توانسته است نخ از نمره ۳ تا ۸ تهیه نماید (۱۱۷).

در سال ۱۳۱۶ شرکت‌ها و مؤسسات ذیل کارخانه و ماشین‌آلات لازم را سفارش دادند و یا درحال نصب ماشین‌ها و ساختمان کارخانه بودند.

#### شرکت سهامی نخریسی و نساجی خسروی مشهد:

در تاریخ ۱۳۱۲/۱۴ در مشهد تحت شماره ۳۸ و برای مدت ۵۰ سال به ثبت رسید و سرمایه ثبت شده آن شش میلیون ریال بود (۱۱۸) (ده لک روپیه) که سه میلیون ریال آن تعهد تجار مشهد بود و دو میلیون و پانصد هزار ریال آن تعهد تجار پارسی (۱۱۹) و بعداً پنجصد درصد به سرمایه اضافه شد. اولین مجمع عمومی شرکت در منزل متولی باشی تشکیل گردید. بیست و هفت نفر که جمعاً صاحب ۱۱۷۱۶ سهم به مبلغ ۵۸۵۸۰۰۰ ریال بودند حضور داشتند و شش نفر که صاحب ۲۸۴ سهم به مبلغ ۱۴۲۰۰۰ ریال بودند غایب بودند (۱۲۰).

هیئت مدیره به این شرح انتخاب شد: محمدولی خان اسدی (متولی باشی) - حسام‌الدین خان انصاری - جلیل‌بیک نصیرزاده - حاج آقا نبویان - رستم‌مسانی - هرمز فرامرز - مردان ایرانی. و مفتشین: حاج عبدالرحیم

۱۱۷- مجله اطاق تجارت ش ۱۳۴ ص ۱۶.

۱۱۸- مجله اطاق تجارت ش ۹۷ ص ۲۷ و مجله بانک ملی ش ۱۷ ص ۱۴.

۱۱۹- مجله اطاق تجارت ش ۹۷ ص ۲۷ و اطلاعات ۲۴۰۰، ۱۳۱۱۹۹.

۱۲۰- اطلاعات ۲۶۳۳، ۱۳۱۲۱۸.

وهاب‌زاده - حاج علی‌آقا کازرانی (۱۲۱).

ساختمان این کارخانه توسط کمپانی «هوختیف» صورت گرفته و مساحت بنای آن ۷۶۰۰ متر است. سفارش ماشین‌آلات نخ‌ریسی به کمپانی «برادران پلات» انگلستان به میزان ۱۰۱۲۰ دوک با کلیه لوازم مربوطه به مبلغی در حدود دومیون و چهارصد هزار ریال داده شد که مقداری لوازم یدکی مابه‌الاحتیاج نیز ضمن آن منظور شده بود. صد و پنجاه دستگاه ماشین‌آلات بافندگی و لوازم آن از کمپانی «یونیون ماتکس» آلمان به مبلغ تقریبی ۸۰۰۰۰۰ ریال خریداری شد و ماشین‌آلات و لوازم برق کارخانه تماماً از کمپانی آ.ا.گ به مبلغ تقریبی ۵۲۰۰۰۰ ریال دیگهای بخار کارخانه را آقای کمیساریات نمایندۀ پارسیان هندوستان در حدود مبلغ ۱۷۰۰۰ تومان به شرکت فروخت و اثاثه و لوازم آن جداگانه از خارجه خریداری شد که جمعاً در حدود ۸۰۰۰۰۰ ریال برای شرکت تمام شد. برای تعمیر ماشین‌آلات یک‌دستگاه اثاثه تعمیرخانه مفصل نیز خریداری نمودند. بنابراین بهای کارخانه جمعاً بدینقرار شد: بهای تقریبی کلیه ماشین‌آلات بالغ بر ۵۰۰۰۰۰ ریال ساختمان و بناهای آن با انبارها ۲۸۰۰۰۰ ریال.

کرایه حمل و هزینه نصب در حدود ۱۲۰۰۰۰ ریال و مجموعاً نه میلیون ریال.

توربین کارخانه معادل ۸۰۰ اسب قوه داشت و در صورتیکه تمام دوکهای نخریسی (۱۰۱۲۰) بکار می‌افتاد سالیانه تقریباً ۶۰۰ نفر کارگر لازم داشت و در حدود ششصد تن پنبه مصرف می‌شد و یکصد و بیست هزار بوقچه (در سه هزار ساعت کار) محصول آن بود (۱۲۲). برای آموزش کارگران ابتدا عده‌ای را به اصفهان فرستادند تا به اصول کار

۱۲۱- اطلاعات ۲۶۳۳، ۱۳۱۲۱۸.

۱۲۲- اطلاعات صبح ۱۹ اسفند ۱۶.

### کارخانه ریسندگی و بافندگی صنایع پشمباف اصفهان:

ساختمان آن در اردیبهشت در یک مساحت ۵۰۰۰ متری در خیابان هزار جریب اصفهان شروع شد و یکسال پیش از آن ماشین‌آلات آن خریداری گردیده بود، در آذر ۱۳۱۶ هفت دستگاه بافندگی پشم آن نصب گردید (۱۲۶). سرمایه اولیه شرکت شش میلیون ریال بود و بعداً دو برابر شد که به شش هزار سهم ممتاز و شش هزار سهم عادی هزار ریالی تقسیم شده بود. این کارخانه علاوه بر پارچه‌بافی، قسمت نخ‌ریسی نیز داشت و محصول سالیانه‌اش چهارصد و پنجاه هزار متر انواع پارچه‌های پشمی و پشم و نخ و هفتاد هزار بوقچه نخ شماره ۲۰ بود (در صورت ۲۰ ساعت کار شبانه‌روزی). از مواد اولیه این کارخانه پشم (در حدود ۶۰ تن) پنبه (۴۰ تن) و مقداری گازولین، نفت سیاه، روغن زیتون، سودا، رنگ و اسید سولفوریک در ایران تهیه می‌شد و هر سال تقریباً یک میلیون ریال رنگ و مواد شیمیائی و یک میلیون ریال هم اثاثه یدکی برای آن از خارج وارد می‌شد.

تعداد دوکهای ریسندگی این کارخانه ۳۲۴۰ دوک نخ پشم و کامکاران و ۳۳۰۰ دوک ریسندگی پنبه بود و تعداد ماشین‌های بافندگی آن ۶۰ دستگاه. دو دستگاه موتور به‌قوة ۱۰۲۰ اسب نیروی کارخانه را بوجود می‌آورد و عده کارگر فنی کارخانه تا حدود نهمصد نفر دیده شده است و البته کم و زیاد می‌شده است (۱۲۷). هیئت مدیره شرکت سهامی صنایع پشم اصفهان در جلسه ۸ مرداد ۱۳۲۹ به استناد مجمع عمومی فوق‌العاده مورخه ۵ مرداد ۲۹ تصویب نمودند که مبلغ ۵۱۰۵۸۰۰۰ ریال دیگر بوسیله ۵۰۰۰ سهم ممتاز و ۴۶۵۸۰ سهم عادی یک هزار ریالی بی‌اسم به سرمایه شرکت اضافه شود (۱۲۸). این کارخانه در تیر ۱۳۳۵

در کارخانه‌های نخ‌ریسی آشنائی حاصل کنند و این عده در بهمن ۱۶ برای کار در کارخانه حاضر بودند (۱۲۳).

اولیای کارخانه در خرداد ۱۳۱۶ به‌نصب ماشین‌آلات کارخانه مشغول شدند و آن را بسرعت تعقیب کردند و بتدریج تا بهمن ۱۶ همه ماشین‌آلات کارخانه به مشهد رسید و در اسفندماه آن سال برای افتتاح آماده شد.

در سال ۱۳۴۷ این کارخانه تجدید حیات نمود، زیرا ۵۰ میلیون سرمایه‌گذاری جدید در آن شد و سهام جدید بوسیله آستان قدس خریداری گردید و ۱۵۰ دستگاه بافندگی تمام‌اتوماتیک به آن اضافه گشت و قرارداد خرید دوازده میلیون دست لباس با آن منعقد شد. هزینه این ماشین‌آلات در حدود ۶۰ میلیون ریال بود و به‌وجب طرحی، از طرف آستان قدس رضوی و وزارت اقتصاد و بانک اعتبارات صنعتی معادل این مبلغ در کارخانه سرمایه‌گذاری شد (۱۲۴).

از کمپانی رابرتز امریکا به مبلغ ۶۰۴۰۳۶ دلار و ۱۵۰ دستگاه بافندگی مذکور در فوق و متعلقات آن به مبلغ ۴۰۰۰۰۰ دلار برای این کارخانه خریداری شد که در اول دی‌ماه ۱۳۴۹ افتتاح شد و نیز اعلام گردید که یک مؤسسه ایتالیائی حاضر شده است که یک کارخانه تهیه پارچه‌های مخصوص بلوچین و لباس لوچین در کارخانه خسروی نصب کند و پول آن را ۲۰ ساله دریافت دارد. ضمناً تعهد کرده است که ۱۵ درصد محصول همین کارخانه را خریداری کند... محصول این کارخانه در سال اول ۱۰۰۰۰۰۰ لباس بلوچین پیش‌بینی شده بود و پس از تنظیم دستگاهها... از سال بعد، هر سال ۱۲۰۰۰۰۰ دست لباس که ۶ میلیون دست لباس کارگران و کشاورزان خواهد بود (۱۲۵).

۱۲۶- مجله بانک ملی ایران ش ۱۸ ص ۷۶.

۱۲۷- مجله اطاق بازرگانی ش ۲۲۷ ص ۵.

۱۲۸- اطلاعات، ۷۲۹۶، ۱۹ مرداد ۲۹.

۱۲۳- ۳۰۳۹۲، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۵.

۱۲۴- اطلاعات، ۱۲۶۲۳، ۹ مرداد ۴۷.

۱۲۵- کیهان، ۸۲۲۹، ۱۰ اردیبهشت ۴۹.

بر اثر اشکالات مختلف و منجمله هفت ملیون تومان بدهی به سازمان برنامه و عقب افتادن اقساط تعطیل شد (۱۲۹).

قسمت ریسندگی این کارخانه در سال ۱۳۴۶ شامل دو قسمت بوده است:

۱- قسمت تهیه نخ نازک یا کامکاران با ۴۰۰۰۰ دوک و قسمت تهیه نخ ضخیم یا اشتراپگان با ۳۰۰۰۰ دوک و قسمت بافندگی آن نیز دارای ۱۴۴ دستگاه بافندگی بود که بتهیه انواع فاستونی و پتو می پرداخت. در آن سال در کارخانه صنایع پشم اصفهان ۱۲۰۰ نفر کارگر بکار اشتغال داشت که ۳۵۰ نفر آنها زن بودند. مدیریت عامل کارخانه در آن سال از طرف وزارت اقتصاد به زارع حایری زاده محول بود و قسمت اعظم سهام آن را حسین همدانیان داشت (۱۳۰).

کارخانه امید سعادت رشت:

این کارخانه پارچه بافی بود و در اردیبهشت ۱۳۱۶ با سرمایه صد هزار ریال تأسیس گردید (۱۳۱) و ظاهراً همین کارخانه است که بموجب گزارش آبان ماه ۱۳۱۶ بانک ملی با ماشین های دستی پارچه های بارانی از قبیل برزنت و پالتو زنانه و مردانه و بچگانه تهیه می کرد (۱۳۲).

کارخانه ریسندگی و بافندگی اعنمادیه - بوشهر:

این کارخانه در اسفندماه ۱۳۱۶ شروع بکار نمود. و برای امتحان نخست ریسمان شماره ده بیرون داد که جنس آن نسبتاً خوب بود (۱۳۳). در آغاز میزان محصول آن دویست بوقچه ریسمان ۱۰ و ۲۰ بود. ماشین-

های بافندگی کارخانه مزبور هم در خرداد ۱۳۱۷ کلاً نصب شد و برای شروع بکار منتظر متخصص بودند (۱۳۴). از جمله ماشین آلات مزبور ماشینی بود دارای ۳۵۰۰۰ دوک که ریسمان نمره ۱۰ تا ۴۰ می تابید و ۱۲۰ دستگاه بافندگی که نخ تهیه می کرد قوای محرکه ماشین ها دو موتور دیزل بود هر یک دارای ۲۰۰ اسب قوه و یک موتور ۵۰ اسب (۱۳۵). این کارخانه در سال ۱۳۴۷ تعطیل شد زیرا هفت ملیون تومان بدهکار بود و عجب آنکه دارائی بندر بوشهر هفت ملیون را به سیصد هزار تومان تقلیل داد، معیناً مدیران کارخانه تمایلی به آغاز کار نشان ندادند (۱۳۶).

شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی شهرضا نخباف - اصفهان:

در تاریخ ۱۶/۹/۱۴۹۱ در اصفهان تحت شماره ۸۲ به ثبت رسید. سرمایه ثبت شده آن سیصد و شصت هزار تومان بود که از آن مبلغ ۱۲۰ هزار تومان پرداخت شد (۱۳۷). نصب کلیه ماشین آلات کارخانه در مهر ۱۳۱۶ خاتمه یافت و ریسمان آن هم مرغوب بود قسمت بافندگی را بعداً دایر کردند باین معنی که در خرداد ۱۳۱۸ مقداری ماشین آلات مربوط به آن وارد شد و شرکت تدریجاً به تکمیل آن اقدام نمود. نقشه این کارخانه را «مهندس نیمینگر» تهیه نموده است (۱۳۸) و نصب آن با متخصصین آلمانی بوده است و محل آن در اصفهان است. سرمایه کارخانه بعداً به ۹۶۰۰۰۰ ریال رسانیده شد. این کارخانه دارای ۴۸۲۴ دوک نخریسی و ۵۰۰ دوک دولاکنی و ۱۳۰ دستگاه ماشین بافندگی نخی بود و دو دستگاه موتور هر یک به قوه ۳۷۵ اسب بخار نیروی محرکه کارخانه

۱۳۴- همان مجله ش ۲۴ ص ۱۸۶.

۱۳۵- ایضاً همان مجله ش ۱۲ ص ۵۴.

۱۳۶- کیهان ۷۵۳۶، ۱۷/۶/۴۷.

۱۳۷- مجله بانک ملی ش ۱۷ ص ۱۴.

۱۳۸- اطلاعات ۱۷/۳۱/۱۷.

۱۲۹- اطلاعات ۹۱۰۵، ۳۵۶۱۰.

۱۳۰- اطلاعات ۱۲۳۴۴، ۶۶۵۹.

۱۳۱- مجله بانک ملی ش ۱۴ ص ۶۸.

۱۳۲- مجله بانک ملی ش ۱۹ ص ۵۸.

۱۳۳- مجله بانک ملی ش ۲۱ ص ۹۹.



را تولید می نمود (۱۳۹). این کارخانه علاوه بر تهیه پارچه نخی، نخ لازم برای پارچه بافی را نیز خود تهیه می نمود و ظرفیت تهیه سه میلیون متر پارچه در سال داشت (۱۴۰) در سال ۱۳۱۹ این کارخانه ۷۵۰ نفر کارگر فنی و غیرفنی داشته است. این کارخانه از کارخانه هائی است که دوچار بحران و قرض شده است.

چه آنکه در بهمن ۱۳۳۵ خانواده صاحبان با ۳۳۰ میلیون سرمایه - گذاری قروض سالیان قبل مردم و مبلغ عمده ای از قروض معتمدین قبلی کارخانه را به بانک ملی و دولت پرداخت و ساختمانهای جدید ریسندگی و بافندگی و تکمیل احداث کرد و بعد ماشین آلات مدرن و تمام اتوماتیک از خارجه وارد و اقدام به مدرنیزه نمودن ماشین های قدیم و فرسوده کارخانه نمود (۱۴۱). ... معینا این اقدام هم کارخانه را نجات نداد و در سال ۳۸ تعطیل شد، تا اینکه آنرا به بانک تهران به مدیریت مصطفی فاتح سپردند که آنرا اداره کند (۱۴۲). زیرا برای خریدن ماشین آلات که در حدود ۶۰ میلیون ریال اعتبار لازم داشت کارخانه در رهن بانک تهران قرارداد داده شده بود تا بانک تعهد پرداخت اقساط ماشین آلات خریداری شده را بنماید. اما پس از پایان مدت صاحبان کارخانه نتوانستند به تعهدات خود عمل کنند و بانک تهران بناچار قراردادی با آنها به امضاء رسانید و اداره امور کارخانه را بعهده گرفت و در مدتی که کارخانه در دست بانک بود مبالغی بابت حقوق کارگران و بدهی کارخانه خرج برای بانک پیش آورد. بانک نیز اجرائیه ای به مبلغ یکصد و سی میلیون ریال برای صاحبان سهام کارخانه صادر کرده و اجراء ثبت نیز کارخانه را به مزایده گذاشت و در

۱۳۹ - اطلاعات ۸ مرداد ۱۶۷۲۹ و ۱۶۷۲۹ و ۳۳۸۵، ۲۹ اردیبهشت ۱۶۷۲۹ و مجله اطاق بازرگانی

ش ۲۲۷.

۱۴۰ - اطلاعات ۸ مرداد و ۲۹ مهر ۱۳۱۶.

۱۴۱ - اطلاعات ۱۰۸۲۲، ۱۰۸۲۲، ۴۱۳۲۱.

۱۴۲ - ۱۰۱۸۲، ۱۰۳۲۷ و ۳۹۱۲۵، ۱۰۳۲۷، ۳۹۷۱۶.

۱۴۳ - کیهان ۸۰۲۱، ۲۹ اردیبهشت ۴۹۱۲۹.

نتیجه بانک تهران کارخانه را در مقابل مطالبات خود تحویل گرفت و چون صاحبان سهام کارخانه عرضحالی به مقامات قضائی تسلیم کردند، پرونده امر در شعبه اول دادگاه شهرستان اصفهان تحت رسیدگی قرار گرفت. از اول سال ۱۳۴۸ کارخانه شهرضا از بانک تهران منتزع و اداره آن به شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی شهرضا جدید محول گردید (۱۴۴).

شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی اتحاد شهرضا [قمشه]:

در تاریخ ۱۵۶۲۹ در اصفهان تحت شماره ۱۰۹ به ثبت رسید. سرمایه ثبت شده آن ۵۷۵ هزار تومان بود که ۳۴ درصد آن فروخته شده بود (۱۴۴). این کارخانه دارای ۶۰۴۸ دوک ریسندگی بود که از تاریخ ۲۴ تیرماه ۱۳۱۷ از سه هزار دوک آن بهره برداری می شد و در نظر گرفته شده بود که پس از دوماه کلیه دوک های آن بکارافتد (۱۴۵).

مؤسسين این کارخانه عبارت بودند از حاجی میرزا محمدعلی صاحبان، سید محمد رضا منتفی، حاج محمد حسین نیلفروشان، حاج حسنعلی همدانی، حاج میرزا عباس قیصری، محمد جواد نیلفروش، محمد جواد همدانی نصرالسلطان، میرزا ابوالحسن همدانی، حاج میرزا عبدالکریم توکل و میرزا عبدالرحیم عرب (۱۴۶).

در سال ۱۳۲۷ هم عده ای از بازرگانان و مالکین شهرضا درصدد خرید و نصب یک دستگاه کارخانه جدید ریسندگی برآوردند. از ۲۰ میلیون بهای برآورد شده کارخانه تا ۱۲ بهمن آن سال مبلغ ۳۵ میلیون ریال تقبل کردند (۱۴۷). این کارخانه برق شهرضا را نیز تأمین میکرد.

۱۴۴ - مجله بانک ملی ایران ش ۱۷ ص ۱۴.

۱۴۵ - مجله بانک ملی ایران ش ۲۵ ص ۲۶۷.

۱۴۶ - مجله اطاق تجارت ش ۱۱۷ ص ۲۵.

۱۴۷ - مجله بانک ملی ایران ش ۹۸ ص ۶۹۵.

## کارخانه نخریسی قیصریه و محمد حسین یزدی - قم :

کارخانه با شرکت چندتن از بازرگانان منجمله حاج میرزا علی-قیصریه و حاج محمدحسین یزدی که تشکیل يك شرکت سهامی با سرمایه سه میلیون ریال داده بودند تأسیس شد و از تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۱۴ تحت شماره ۵۱۱ در دفتر ثبت شرکت‌های داخلی به ثبت رسید و در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۱۶ معادل دو میلیون ریال دیگر به سرمایه بدوی آن اضافه (۱۴۸) و از روز پنجشنبه سوم آذر ۱۳۱۷ افتتاح شد (۱۴۹). ماشین‌آلات آن یکسال پیش نصب و برای آزمایش بکار انداخته شده بود (۱۵۰). ماشین-آلات مزبور عبارت بودند از دو ماشین حلّاجی پنبه متصل بیکدیگر، ۱۸ ماشین کادینگک. هشت ماشین شش‌لائی، شش ماشین نیم‌تاب، دوازده ماشین تمام‌تاب و يك ماشین چهارلائی، دو ماشین دولائی، دوازده دستگاه کلاف‌کنی، يك ماشین بچچه بندی، سه ماشین جهت ساخت غلطک، يك ماشین مخصوص سمباده، يك دستگاه کامل تجزیه و امتحان. ماشین‌آلات مزبور که از آلمان خریداری شده بود دارای ۴۶۰۸ دوک نخریسی يك لا و ۷۲۰ دوک نخریسی دولاب بود... و ممکن بود از نمره ۶ تا نمره ۴۰ با آنها تهیه نمود. میزان مصرف پنبه کارخانه در ده ساعت ۱۱۰۰ کیلو بود. از مقدار مزبور تقریباً نهصدکیلو نخ ریخته بدست می‌آمد. قوه محرکه ماشین‌آلات در آغاز يك موتور دیزل ۳۸۰ اسبی شش سیلندر بود و سوخت آن گازویل، موتور دیگری هم مانند همین موتور خریداری شده بود که قرار بود بزودی نصب شود. ادوات برق و جنراتور و الکتروموتور این کارخانه تماماً از کمپانی زیمنس شوکرت خریداری شده بود... برای تعمیرات احتمالی چندین ماشین تعمیرکاری نیز خریداری شده بود از قبیل ماشین‌آلات تراش آهن و جوش فلزات، ماشین‌آهن سوراخ‌کنی،

۱۴۸- مجله اطاق بازرگانی ش ۱۹۴ ص ۶.

۱۴۹- اطلاعات در یکربع قرن ص ۱۶۷.

۱۵۰- مجله بانک ملی ش ۱۹ ص ۶۹.

دنده‌سازی و غیره... شش دستگاه ماشین رطوبت نیز خریداری و وارد شده بود. بهای ماشین‌آلات و زمین و ساختمان و مخارج نصب کارخانه از اینقرار بوده است.

قیمت زمین کارخانه و مخارج ساختمان ابنیه ۲۰۱۶۳۷۵۱۹۰ ریال  
مخارج نصب ماشین‌آلات و متفرقه ۲۴۵۰۰۰ ریال  
قیمت کلیه ماشین‌آلات و مخارج آنها ۲۶۳۸۱۷۸۶۰ ریال  
مجموعاً ۵۰۴۷۴۳۰۸۰ ریال

کارخانه برای تأمین روشنائی شهر قم نیز با وزارت کشور قرارداد بست و ماشین‌آلات لازم را سفارش داد (۱۵۱) و قرار بود با زهم شرکاء بر سرمایه کارخانه بیفزایند تا بتوانند بزودی ماشین‌آلات کامل برای تأسیس کارخانه بافندگی و همچنین رنگرزی و ماشین برای تکمیل پارچه و ریسندگی خریداری و در همان محل کارخانه نصب نمایند (۱۵۲).

محل کارخانه در يك كيلومترى جنوب غربى قم واقع و مساحت آن ۷۹۵۰ متر است، کار کارخانه از بهمن ۱۳۱۶ شروع شده است و در اوایل با روزی ده ساعت کار و ۲۵۰ نفر کارگر سالیانه ۳۰۰ تن پنبه مصرف داشت که ۲۷۰ تن محصول نخ آن بود و در هر شبانه‌روز ۳۵۱ تا ۴۰۰ بوقچه به‌نمرات مختلف تا ۲۰ و نمره دیگر از ۳۰ به‌بالا و بعلاوه پارچه‌های دستباف نیز تهیه می‌نمود. سرمایه کارخانه در آغاز سه میلیون ریال بود و بعد اضافه شده به پنج میلیون رسید.

شرکاء شرکت بجز دو نفر سابق‌الذکر عبدالحسین نیک‌پور و محمدعلی نصرتیان و علی‌اصغر زرکش و احمد اخوان و ابوالقاسم سمسار-زاده بودند (۱۵۳).

۱۵۱- مجله اطاق بازرگانی ش ۱۹۴ ص ۶.

۱۵۲- مجله بانک ملی ش ۳۶ ص ۲۴۹.

۱۵۳- ایضاً مجله اطاق بازرگانی ش ۱۹۴ ص ۶.

## کارخانه برادران کراوغلی - قزوین :

کارخانه در سال ۱۳۱۶ تأسیس شد و نخست بصورت کارگاه پارچه-بافی دستی بود که در ۱۳۱۴ در خیابان شاهپور قزوین تأسیس شده بود و سرمایه اندکی داشت. مؤسس کارخانه «هاکوپ کراوغلی» ارمنی بود که از ترکیه به ایران آمده بود. وی کارگاه خود را بتدریج توسعه داد و از صورت کارگاه دستی بصورت کارخانه ماشینی درآورد. و در اوایل سال ۱۳۱۶ یک قسمت از ماشین‌های بافندگی آن وارد بندر پهلوی [بندر انزلی] شد. این ماشین‌ها عبارت بود از بیست دستگاه ماشین پارچه‌بافی که از کارخانه هارتمان آلمان خریداری شده بود (۱۵۴) و برادران کراوغلی قسمتی از عمارت آوادیس تاجر باشی را خریداری نموده آن را محل کارخانه قرار دادند (۱۵۵). سفارش یک دستگاه ماشین ریسندگی نیز از طرف کارخانه به آلمان داده شد (۱۵۶) و بر روی هم در آبان‌ماه ۱۳۱۶ نصب ماشین‌آلات آن کارخانه خاتمه یافت (۱۵۷) و در آذر آن سال مشغول کار شد. و در آن موقع در حدود ۳۵۰ نفر کارگر زن و مرد داشت و هر هفته پنج هزار ریال حقوق به آنان می‌پرداخت. موتور کارخانه دارای ۲۵ اسب قوه بود در کارخانه پشم را بوسیله ماشین شستشو داده حلاجی می‌نمودند و نخ آن را با رنگهای ثابت نباتی رنگ آمیزی می‌کردند و با دستگاههای دستی فاستونی و پتو می‌بافتند. کارخانه پشم‌ریسی با داشتن دو دستگاه ماشین پشم‌ریسی و یک دستگاه موتور بقوة ۱۷ اسب... خامه برای قالی تهیه می‌نمود. کارخانه صباغی و قالی‌بافی هم داشت (۱۵۸). در سال

۱۵۴- مجله بانک ملی ش ۲۲ ص ۵۲.

۱۵۵- همان مجله ش ۱۲ ص ۵۲.

۱۵۶- همان مجله ش ۱۱ ص ۴۹.

۱۵۷- همان مجله ش ۱۹ ص ۵۸.

۱۵۸- اطلاعات ۲۸۳۲، ۱۲/۴/۱۵.

۱۳۳۰ تعدادی از دستگاههای بافندگی آن را نصب کردند و در سال ۱۳۱۸ دستگاه حلاجی پشم و ریسندگی را به کارخانه افزودند و در سال ۱۳۳۴ شماره دستگاههای ریسندگی و بافندگی را دوبرابر کردند، بطوریکه در سال ۱۳۳۵ کارخانه دارای ۱۲۰۰ دوک ریسندگی و قریب ۲۵ دستگاه بافندگی بود که با موتور کار می‌کرد و نیروی موتور آن ۳۸۰ اسب قوه داشت و سرمایه کارخانه بالغ بر ده میلیون ریال بود. محصول کارخانه عبارتست از انواع پارچه‌های پشمی و ابریشمی و نخی و پتو و کاموا و بجد متوسط در سال ۳۰۰۰+۳۰۰ متر است و تعداد کارگران آن ۱۷۰ نفر مرد و زن که حداقل مزد آنها ۳۰ ریال و حداکثر ۱۱۰ ریال است (۱۳۳۵). از سال ۱۳۳۲ دولت از ظرفیت کارخانه کاسته شده است. از برق کارخانه بروشنائی شهر نیز کمک می‌شده است (۱۵۹).

## کارخانه پارچه‌بافی شالچیلر - قزوین :

ماشین‌آلات این کارخانه در سال ۱۳۱۵ از ایتالیا خریداری شد و مهندسین آن وعده داده بودند که پیش از پایان سال نمونه محصول آن ببازار خواهد آمد (۱۶۰). در آبان ۱۳۱۶ گزارش شد که این کارخانه خیلی خوب پیشرفت نموده و در هشت ساعت کار در حدود ۱۵۰۰ متر پارچه تهیه می‌نماید و امیدوار است که این رقم را به پنج هزار متر برسانند (۱۶۱) و در حقیقت این همان کارخانه پارچه‌بافی شرکت سهامی آذربایجان خسروشاهی و شالچیلر است که بموجب گزارش ۱۳۱۷ بانک ملی ایران موفقیت شایانی در قسمت تهیه پارچه‌های خیلی خوب نظیر بافت خارجه حاصل نموده بود و روزانه ۲۵۰۰ متر پارچه بیرون می‌داد (۱۶۲). ظاهراً تأسیس این کارخانه در سال ۱۳۱۴ و ورود ماشین‌آلات بتدریج در سال

۱۵۹- مینودر (ص ۷۰۰-۷۰۴).

۱۶۰- مجله بانک ملی ش ۱۲ ص ۵۲.

۱۶۱- مجله بانک ملی ش ۱۷ ص ۹۲.

۱۶۲- مجله بانک ملی ایران ش ۲۶ ص ۳۴۴.